

گزارش تحلیلی

تأملی بر مجمع گفت‌وگوی تهران

مانت خود را می‌نوازیم آنهانت رهبر ارکستر را

همزمان با برگزاری مجمع گفت‌وگوی تهران، بیانیه اتحادیه عرب بار دیگر مسئله جزایر سه‌گانه را زنده کرد

زینب اسماعیلی
روزنامه‌نگار

امسال «مجمع گفت‌وگوی تهران» پر و پیمان‌تر از سال‌های قبل بر گزار شد، چه از نظر تعداد و تنوع میهمانان و چه از نظر انتخاب محور و محتوا. روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت، تهران میزبان ۲۰۰ هیأت‌ا مقامات ارشد ۵۳ کشور بود. در ترکیب مهمانان، مقاماتی از تمامی کشورهای حوزه خلیج‌فارس در سطح وزرا و معاونان و تصمیم‌سازان ارشد و ۴۰ مهمان اروپایی از تمامی کشورهای اروپایی حضور داشتند. سعید خطیب‌زاده، رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه که بر گزار کننده این مجمع است دستور کار این نشست را «تبیین عاملیت منطقه‌ای و تعیین مولفه‌های بهبود نظم منطقه‌ای» اعلام کرده‌است.

مجمع گفت‌وگوی تهران اولین بار در دولت دوم روحانی آغاز به کار کرد. زمانی که موج ایران‌هراسی گسترده بود و ایران نیازمند محملی بود تا صدای صلح طلبی خود را به کشورهای دیگر برساند. البته سال گذشته به دلیل شهادت رئیس‌جمهور و هم‌راهان او از جمله وزیر خارجه این جلسه بر گزار نشد ولی امسال بار دیگر با هدایت سعید خطیب‌زاده بر گزار شد که از ابتدای راه‌اندازی این مجمع دغدغه آن‌را داشت ولی درگیری او در سمت سخنگویی و بعد سفارت، فرصت مدیریت مجمع را به او نداد. اما فارغ از بر گزار کننده و مهمان و به عبارتی خورنده و پرنده، مسائلی در حول بر گزار ی این نشست از ابتدا بوده که هنوز هست.

ایران در بیش از ده‌سده گذشته، در بخش‌های متوعی خواسته حسن نیت خود را به جهان نشانان بدهد، از طرح گفت‌وگوی تمدن‌های سید محمد خاتمی تا جهان‌نار از خشونت که حسن روحانی در سازمان ملل مطرح کرد. از تلاش برای زنده نگه داشتن چراغ دیپلماسی با گفت‌وگوهای هسته‌ای و دستیابی به برجام تا طرح صلح هرمز و نابودی داعش در منطقه با کمک مستشاری نظامی به دولت‌های سوریه و عراق و منطقه. اما سوال اینجاست که با وجود همه این تلاش‌های دیپلماتیک چرا هنوز بخش گسترده‌ای از فضای رسانه‌ای جهان علیه ایران هستند؟ حتما پاسخش این است که برنامه هسته‌ای ایران و ابهامات مربوط و نامربوط مطرح شده در مورد آن، جهان را به احساس ترس علیه ایران ترغیب می‌کند. اگر چه درست‌است، اما این همه پاسخ نیست؛ موازنه قوا در منطقه، وجود موجودی به نام اسرائیل و منافع سلبی و ایجابی آن و روابط عمیق تل‌آویو و واشنگتن، باعث می‌شود که ایران مهجور‌تر از پیش باشد. ایران می‌خواهد ساز خود را در منطقه بنوازد در حالی که مابقی معتقدند باید طبق نتی که رهبر ارکستر می‌نوازد، پیش بروند. این کج‌دار و مریز سال‌هاست در منطقه وجود دارد. در مقاطعی تکنوازی تهران موفق بوده و همچنان این تمایل وجود دارد که رهبر ارکستر ناپدید گرفته شود.

اگر چه برخی کارشناسان و به خصوص تاریخ‌دان‌ها به تنهایی استراتژیک ایران باور دارند اما در زمانه فعلی این تنهایی را باید درک کرد و برای عبور از آن راهی جست. حتی باید سهیم این تنهایی استراتژیک را از تاثیر تحریم‌ها جدا کرد تا درست متوجه شد که چرا کمربندها و مسیرهای ترانزیتی در حال دور زدن ایران هستند؟ چرا هیچ شراکت جدی اقتصادی بین ایران با همسایگان و قدرت‌های مورد وثوق ایران مانند روسیه و چین به نتیجه نمی‌رسد؟



«مجمع گفت‌وگوی تهران» مفتخر است که میزبان (مقاماتی از تمامی کشورهای حوزه خلیج‌فارس در سطح وزرا و معاونان و تصمیم‌سازان ارشد) است و درست در همان روزهایی که میهمانان در حال بستن چمدان برای سفر به تهران بودند، اجلاس سران اتحادیه عرب در بغداد، در بیانیه پایانی راجع به «جزایر سه‌گانه همیشه ایرانی» تنب‌بزرگ و تنب‌کوچک و ابوموسی ادعاهایی مطرح کردند.

بله، می‌دانیم که اتحادیه عرب به صورت مالوف، بندی در بیانیه در مورد جزایر می‌گنجاند و ایران نیز پاسخ‌مکتوب و حقوقی در سطح سخنگو به آن بند می‌دهد و تمام می‌شود تا نشست بعدی. اما عجیب است که عراق میزبان نشست بوده و دوست ایران محسوب می‌شود، با حضور عربستان و امارات که وزیر خارجه اخیرا به آن‌جا سفر کرده و عمان و قطر که دوستان ویژه عربی ایران محسوب می‌شوند، چنین بیانیه‌ای امضا و باز در مورد جزایر ایرانی ادعاهایی مطرح شده است. این یکی از نمونه‌های فضای مخالفی است که علیه ایران وجود دارد. اگر چه بر گزار کننده نشست تهران، آن‌را با نشست‌های داووس، مونپخ و منامه مقایسه کرده اما باید گفت شلاید در عُدّه و عده میهمان شبیه باشد اما در فضای دیپلماسی شباهتی وجود ندارد. کدام میهمان قبل از عزیمت به مونپخ یا داووس در بیانیه‌ای به همراه گروهی دیگر مدعی پس دادن جزیره یا رودخانه‌ای در شمال آلمان می‌شود؟

البته که بحث جزایر سه‌گانه و موضع‌گیری ضد ایرانی امارات متحده عربی و کشورهای دیگر عربی، دلایل متعددی دارد اما شتی است نمونه خروار از چالش‌های متعددی که در راه دیپلماسی ایران وجود دارد. دستور کار نشست «تبیین عاملیت منطقه‌ای و تعیین مولفه‌های بهبود نظم منطقه‌ای» تعیین شده‌است، آن‌هم دقیقاً در شرایطی که بیش از دو میلیون نفر در نوار غزه در محاصره قحطی گرسنگی و بیماری و ویرانه‌های به جا مانده به سر می‌برند. هر کشوری که علیه مسئله غزه سکوت کرده دلیلی برایش دارد و هر کشوری که معترض است نیز دلیلی دارد. اما آن‌چه در بیش از یک سال و نیم از بحران غزه می‌بینیم این است که همه راه‌های عاملیت در این منطقه به واشنگتن ختم می‌شود. مسئله غزه هنوز در دستور کار دونالد ترامپ قرار ندارد از همین رو، هنوز کشتار و قحطی در آن ادامه دارد.

عاملیت منطقه‌ای وقتی قابل طرح است که دیگر شر‌کای منطقه‌ای نیز مانند ایران علاقه‌مند به نواختن نت داخلی باشند نه نواختن نتی که رهبر ارکستر از واشنگتن طراحی می‌کند. اگر چه بر گزار ی نشست‌هایی مانند گفت‌وگوی تهران، قابل تامل است اما گرّه دیپلماسی کشور در جای دیگری گرّه خورده و در اتمسفر دیگری بازمی‌شود، آن‌را باید در یابند.

جدال در میدان مذاکره جنگ کلمات و پیچیدگی معادلات هسته‌ای

گفت‌وگوبا حفظ خطوط قرمز

- در حالی که ایران و آمریکا هر دو بر ادامه مذاکره تأکید دارند، خطوط قرمز دو طرف فضای دیپلماسی را پر تنش‌تر از همیشه کرده‌است

ایمان برین
هفت صبح

روزهای اخیر بار دیگر تهران و واشنگتن درگیر تبادل پیام‌ها و هشدارهای پیچیده‌ای شدند؛ هر دو طرف می‌گویند آماده مذاکره هستند اما همزمان بر خطوط قرمز خود تأکید می‌کنند و عقب‌نشینی را منتفی می‌دانند. موضع‌گیری‌های جدید مقامات ایران و آمریکا نشان می‌دهد که مسیر دستیابی به توافق هسته‌ای جدید، همچنان مملو از چالش‌های جدی است و هر لحظه ممکن است این تعادل ظریف به بن‌بست برسد.

واکنش قاطع رهبر انقلاب؛ نقدی بر سیاست دوگانه آمریکا

رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای نیز در واکنشی صریح به سخنان ترامپ، او را متهم به دروغ‌گویی و سوءاستفاده از مفهوم صلح کرد. ایشان در دیدار با فرهنگیان با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در سفر اخیر به منطقه، خاطر نشان کردند: بعضی از حرف‌های رئیس‌جمهور آمریکا در این سفر آنقدر سطح پایین و مایه سرفکندگی گوینده آن و ملت آمریکا است که اساساً لایق جواب دادن نیست. رهبر انقلاب بخشی از اظهارات ترامپ را مبنی بر اینکه می‌خواهد از قدرت برای صلح استفاده کند، دروغ خواندند و افزودند: او و دولت‌های آمریکا کی از قدرت برای صلح استفاده کرده‌اند؟ آنها از قدرت برای قتل عام غزه و جنگ‌افروزی در هر جای ممکن و حمایت از م‌ز دوران خود استفاده کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده از قدرت برای صلح و امنیت را ممکن دانستند و گفتند: بر همین اساس است که جمهوری اسلامی به کوری چشم دشمنان، هر روز بر قدرت خود و کشور اضافه خواهد کرد اما آنها با استفاده از قدرت، بمب‌های ۱۰ تنی به رژیم صهیونی دادند که روی سر کودکان غزه و بیمارستان‌ها و خانه‌های مردم در آنجا و لبنان و هر جای دیگر که بتوانند بریزند.

ایشان با اشاره به سخنان قبلی رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه کشورهای منطقه، بدون آمریکا حتی ۱۰ روز هم نمی‌توانند به زندگی خود ادامه دهند، خاطر نشان کردند: او در معاملات و پیشنهادهای کنونی خود در پی تحمیل این الگو به آنهاست در حالی که این الگو، یقیناً شکست‌خورده و به همت ملت‌های منطقه، آمریکا از این منطقه باید برود و خواهد رفت. رهبر انقلاب، رژیم صهیونیستی را مایه فساد، جنگ و اختلاف در منطقه خواندند و تأکید کردند: رژیم صهیونی که غده‌ای سرطانی، خطرناک و مهلک حتماً باید از این منطقه بر کنده شود و بر کنده خواهد شد.

سایت نگار سیاسی

وزرای سابق: تیم آماده برای بازگشت؟



محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات، با انتشار تصویری در کانال شخصی‌اش از دیدار خود با جمعی از اعضای کلیدی دولت پیشین خبر داد. در این عکس، چهاره‌هایی چون محمدجواد ظریف، عبدالناصر همتی و علی طیب‌نیا نیز حضور دارند. این دومین دیداری است که این حلقه از مدیران کنار گذاشته‌شده دولت بار دیگر در کنار هم دیده می‌شوند. گمانه‌زنی‌ها درباره آینده سیاسی این جمع و نقش احتمالی آنها در فضای سیاسی کشور، پس از انتشار این تصویر شدت گرفته است. برخی کاربران فضای مجازی این ترکیب را «تیمکت ذخیره قدرتمند دولت وفاق» نامیده‌اند.

گام نخست تمرکززدایی؛ تعیین قیمت نان به استانداری‌ها واگذار شد

علیرضا خاسیان، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس‌جمهور، خبر داد: «اختیار تعیین قیمت نان برای هر استان به استانداران واگذار می‌شود.» به گفته او، این اقدام اولین گام در مسیر افزایش اختیارات استانداران و تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌های کلان به استان‌هاست. با واگذاری این اختیار، هر استان می‌تواند

گفت‌وگوهای وزیر خارجه ایران با نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا است و گزارش‌ها درباره مذاکرات موازی صحت ندارد. او افزود: «شرکت ایران در مذاکرات، نشانه‌ای از جدیت، حقانیت و حسن نیت ماست برای دستیابی به تفاهمی عادلانه و پایدار.»

بقائی همچنین در پاسخ به ادعاهای آمریکا درباره توقف غنی‌سازی گفت: «غنی‌سازی یک امر فزاینده نیست که بشود از ایران خواست آن را متوقف کند؛ این فناوری، بخشی از صنعت طبیعی هسته‌ای ماست که حاصل ده‌ها تلاش و دانش است و قابل واگذاری نیست.»

عراقچی در حاشیه مجمع گفت‌وگوی تهران دور بعدی مذاکرات با وزودی مشخص خواهد شد. روز آن تقریباً مشخص است ولی باید قطعی شود و احتمالاً به‌زودی اعلام می‌شود.»

او همچنین افزود که وزیر خارجه عمان درباره مکان مذاکرات اطلاع‌رسانی خواهد کرد و تأکید کرد هیچ پیام مکتوبی از سوی آمریکا دریافت نکرده است.

در حاشیه همین مجمع، وزرای خارجه ایران، عمان و قطر نیز نشست سه‌جانبه‌ای در تهران بر گزار کردند که نشان از تلاش گسترده دیپلماتیک منطقه‌ای برای کاهش تنش‌ها دارد.

در همین زمینه، سخنگوی وزارت امور خارجه، اسماعیل بقائی، روز دوشنبه تأکید کرد تنها روند مذاکره‌ای موجود،

پزشکیان؛ آمادگی برای مذاکره اما بدون عقب‌نشینی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، طی سخنرانی اخیر خود در جمع فرماندهان نیروی دریایی، مواضع روشنی اتخاذ کرد که حاوی دو پیام مهم بود: ایران مذاکره را ادامه می‌دهد ولی از تهدید نمی‌ترسد. او گفت: «ما در حال مذاکره‌ایم و به مذاکره ادامه خواهیم داد. دنبال جنگ نیستیم اما از هیچ تهدیدی نمی‌ترسیم.» پزشکیان در ادامه تأکید کرد: «قرار نیست با تهدید از حق مسلم انسانی و حقوق قطعی خود دست بکشیم. دستاوردهای ارزشمند علمی، نظامی و هسته‌ای‌مان را به راحتی کنار نخواهیم گذاشت.» این اظهارات پزشکیان به وضوح نشان می‌دهد که ایران خطوط قرمز مشخصی دارد که اصلی‌ترین آنها، حفظ توانمندی غنی‌سازی اورانیوم است؛ موضوعی که واشنگتن به شدت روی توقف کامل آن پافشاری می‌کند. در همین زمینه، تحلیلگران بین‌المللی همچون رتینا پارسی، معاون اندیشکده کوئینسی، خواسته‌هایی مانند توقف کامل غنی‌سازی را «غیرقابل قبول» و منجر به بسته شدن پنجره فرصت‌ها دانسته‌اند.

با توجه به شرایط بومی و نیازهای خود درباره قیمت نان تصمیم‌گیری کند؛ موضوعی که می‌تواند زمینه را برای سیاست‌گذاری متفاوت در نقاط مختلف کشور فراهم کند.

تکذیب مذاکره شمخانی و مارکو رویو از سوی وزارت خارجه



سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته در نشست خبری با اصحاب رسانه، مذاکره میان «علی شمخانی» و «مارکو رویو» را تکذیب کرد. او در پاسخ به سؤالی درباره ادعای برخی رسانه‌های غربی گفت: «خبر، مذاکرات موازی وجود ندارد، تنها روند مذاکراتی که وجود دارد، همین مذاکرات غیرمستقیم است که از طرف جمهوری اسلامی ایران وزیر محترم امور خارجه و از طرف آمریکایی‌ها نماینده ویژه رئیس‌جمهور آن را مدیریت می‌کنند.» سخنگوی وزارت خارجه تأکید کرد که هیچ مذاکره مستقیمی میان مقامات ارشد ایران و آمریکا خارج از این چارچوب در جریان نیست و خبرهای منتشر شده در این باره را نادرست خواند.

همان پزشکیان بی‌تعارف بماند

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده ادوار مجلس، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور از تغییر لحن و



باشد، «ایران آماده بازسازی اعتماد و توسعه روابط با اروپاست.» بقائی نیز تأکید کرده است که استفاده از سازوکار ماشه، فاقد مبنای حقوقی و منطقی است و ایران با اقدامات متقابل، به چنین فشارهایی پاسخ خواهد داد.

بحران اعتماد و میدان نبرد روایت‌ها

در میانه این میدان پریهاهو، آنچه بیش از همیشه خودنمایی می‌کند، صرفاً اختلاف بر سر سانسرفیوژها یا سطح غنی‌سازی نیست، بحران اعتماد ریشه‌دار میان تهران و واشنگتن است؛ بحرانی که به روایت هر دو طرف، هر بار لباس تازه‌ای به تن می‌کند. ایران تجربه خروج یکجانبه آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها را همچنان زخمی عمیق و عبرتی تاریخی می‌داند و بر همین اساس، دستیابی به توافقی «صدقابل بازگشت» را پیش‌شرط موفقیت قرار می‌دهد.

می‌داند. از سوی دیگر، دولت آمریکا با تردید به تعهدات بلندمدت ایران می‌نگرد و همواره نگران آن است که تغییر شرایط سیاسی یا فشارهای منطقه‌ای، توافقات را شکننده سازد. بقائی نیز با اشاره به تحریم‌های تازه آمریکا یکجانبه‌انه را می‌داند و بر همین اساس، دستیابی به توافقی «صدقابل بازگشت» را پیش‌شرط موفقیت قرار می‌دهد.

همین بحران اعتماد، مذاکره را از یک فرآیند حقوقی یا فنی ساده به میدان نبرد روایت‌ها و جنگ رسانه‌ای بدل کرده‌است؛ جایی که هر سخن، تنها بر میز مذاکره اثر نمی‌گذارد، افکار عمومی داخلی و بین‌المللی تاثیر می‌گذارد. برای تهران، هر عقب‌نشینی، به منزله ناپدید گرفتن سال‌ها مقاومت و هزینه است و برای واشنگتن، هر گونه انعطاف یا عقب‌نشینی، هزینه‌ای سیاسی در برابر متحدان منطقه‌ای و حتی مخالفان داخلی دارد. در چنین میدانی، دستیابی به توافقی ماندگار، بیش از هر چیز به معماری اعتماد، شفافیت عملی و اراده واقعی طرفین بستگی دارد؛ اراده‌ای که اگر چه بارها از سوی دیپلمات‌ها و رهبران اعلام شده، اما هنوز در هزارتوی سیاست و تاریخ گرفتار مانده است. در این بزنگاه تاریخی، هر تصمیمی می‌تواند مسیر آینده خاورمیانه را برای سال‌ها تغییر دهد.

این باعث شده نامزدها مستقیماً در صحن معرفی شوند که موجب تفرق نیروهای انقلاب می‌شود.» او افزود: «در تلاشیم با نیروهای انقلابی جلاستی داشته باشیم تا پیش از معرفی نامزدها به صحن، جلوی تفرق را بگیریم.»

روایتش با اشاره به انتخابات ریاست مجلس تصریح کرد: «پیش‌بینی درباره ترکیب هیئت رئیسه فعلاً ممکن نیست اما درباره رئیس مجلس هنوز نامزدی به عنوان رقیب آقای قالیباف به صحنه نیا آمده‌است.» این اظهارات در حالی است که برخی رقابت‌های درون جناحی و تحركات برای تعیین ریاست مجلس همچنان ادامه دارد.

نماینده تهران: سفر لاکچری وزیر راه، نماد بی‌توجهی به مردم

به گزارش تابناک، کامران غضنفری، نماینده مردم تهران در مجلس، با انتقاد شدید از سفر پرهزینه وزیر راه و شهرسازی به کیش گفت: «در حالی که مردم سال‌هاست منتظر خانه‌دار شدن هستند، وزیر راه به سفر لاکچری می‌رود؛ چنین کسی صلاحیت مسئولیت ندارد.» او ادامه داد: «فرد مسئول در جمهوری اسلامی نباید در شرایط دشوار معیشتی مردم به سفرهای گران‌قیمت برود. کسی که چنین رفتارهایی دارد، صلاحیت داشتن منصب در جمهوری اسلامی را ندارد.»

غضنفری همچنین تأکید کرد حتی اگر هزینه سفر از منابع شخصی تأمین شده باشد، این رفتار پذیرفته نیست و افزود: «تلاش‌هایی برای عادی‌سازی این سفر و پرداخت هزینه از منابع عمومی صورت گرفته که موضوع را بدتر کرده است.» او با اشاره به مسئولیت وزیر راه در تأمین مسکن مردم گفت: «مردم هنوز مسکن خود را تحویل نگرفته‌اند اما وزیر راه بدون توجه به این مسائل، سفرهای گران می‌رود.» غضنفری به امکان طرح استیضاح وزیر راه نیز اشاره کرد و افزود این موضوع یکی از محوره‌های سوال از وزیر خواهد بود.

بود به آن دست پاییم.» او همچنین اظهار امیدواری کرد که دیدار احتمالی این هفته در اروپا با ایران نتایج مثبتی داشته اما در عین حال، همچنان بر توقف کامل غنی‌سازی تأکید دارد؛ موضعی که به گفته تحلیلگران «الاستراتژی‌ای غیرعملی و حتی محرک جنگ» تلقی می‌شود.

نظارت گسترده آژانس

یکی از نقاط قوت موضع ایران، نظارت مستمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر تأسیسات هسته‌ای این کشور است. محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، اخیراً گفته که تأسیسات هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۴ بیش از ۴۵۰ بار از سوی آژانس مورد بازرسی قرار گرفته است.

گام بعدی در مذاکرات: دوراهی سخت تهران و واشنگتن

با نزدیک شدن به موعد تصمیم‌گیری اروپا برای فعال کردن مکانیزم بازگشت خودکار تحریم‌ها (Snapback)، شرایط حساس‌تر از همیشه شده است. عراقچی اخیراً هشدار داده که فعال شدن این مکانیسم «عواقب برگشت‌ناپذیری» خواهد داشت. با این حال، تهران هنوز به دنبال تعامل سازنده است؛ او اخیراً اعلام کرد اگر اروپا اراده لازم را داشته



برخی تصمیمات دولت انتقاد کرد و نوشت: «مدتی ست لحن سخنان شما تغییر کرده؛ گویی آن دکتر پزشکیانی که بی‌تعارف با مردم سخن می‌گفت، دیگر مجال سخن ندارد. این تغییر نگران‌کننده است.»

ایمن‌آبادی ضمن اشاره به مشکلات معیشتی مردم و تفاوت عملکرد دولت با کشورهای همسایه، افزود: «مردم را به صرفه‌جویی افراطی دعوت می‌کنیم، در حالی که همسایگان آسایش مردم را فراهم می‌کنند.» او از انتصاب برخی وزرا نیز انتقاد کرد: «وزیری که در برابر بحران آب، به نماز باران متوسل می‌شود، نه تنها از مسئولیت فنی خود فاصله گرفته بلکه شان و رز تخانه را زیر سوال می‌برد.»

این نماینده سابق مجلس از پزشکیان خواست: «لطفاً همان پزشکیان باقی بماند که مردم به او دل بسته‌اند. نه

در روزهای اخیر، اظهارات رئیس‌جمهور درباره گرما و مصرف کولر واکنش‌های زیادی در فضای مجازی به همراه داشته است.

قالیباف فعلاً بی‌رقیب



قاسم روانبخش، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری و نماینده قم، درباره انتخابات هیئت رئیسه مجلس گفت: «در حال حاضر فراکسیون انقلاب اسلامی فعال نیست و



چرا مردم به آمارهای دولتی اعتماد ندارند؟

وقتی حقیقت در عده‌ها گم می‌شود؛ داستانی تلخ از بی‌اعتمادی به آمارهای رسمی کشور



اعظم پویان
روزنامه‌نگار

ماجرای این‌جا شروع شد که وزارت ارتباطات اعلام کرد: در کمتر از نه ماهی که دولت چهاردهم سکان این وزارتخانه را در دست گرفته، ظرفیت شبکه انتقال کشور از ۴۵ ترابیت بر ثانیه به ۷۳ ترابیت بر ثانیه افزایش یافته است. این ادعای آماری واکنش عیسی زارع‌پور، وزیر سابق ارتباطات را در پی داشت و امیر لاجوردی، قائم مقام وزیر ارتباطات در دولت سیزدهم، نیز در حساب شخصی خود نوشت:

«ضمن عرض تبریک روز جهانی ارتباطات، امروز در خبرها دیدیم که افزایش ظرفیت شبکه انتقال از ۴۵ ترابیت بر ثانیه به ۷۳ ترابیت بر ثانیه توسط رئیس‌جمهور محترم افتتاح شده است. لازم به ذکر است که تا پایان دولت سیزدهم، ظرفیت شبکه انتقال ۶۷ ترابیت بر ثانیه بوده و مستندات آن در اختیار وزارتخانه و شرک‌ت زیرساخت قرار دارد و قبلاً توسط رئیس‌جمهور شهیدمان افتتاح شده بود.»

در واکنش به این دوداعی متفاوت، برخی از منتقدان این طرح نظر دادند که «شاید دولت سیزدهم نیز آمارها را دستکاری کرده باشد». این نوع نگاه، بدون مراجعه به مستندات، که هر دو طرف ارائه کرده‌اند، حیايت از یک بی‌اعتمادی عمیق به آمارهای رسمی و تصمیم‌گیرندگان دارد.

همین بی‌اعتمادی مبنای این می‌شود که مردم به جای آمارهای رسمی، به شایعات و منابع غیررسمی رو بیاورند. تولید، دسترسی و کاربرد آمارهای رسمی و معتبر یک موضوع پیچیده و چندبعدی است. بحث درباره آمارسازی در ایران به کیفیت داده‌ها محدود نیست، بلکه سوءالاتی درباره شفافیت، دسترسی عمومی، زمانبندی گزارش‌دهی، سیاست‌زدگی، فناوری و منابع انسانی نیز در آن وجود دارد.

تا دهه ۷۰، مرکز آمار ایران نقش یک نهاد مرجع و موثق در تولید آمارهای اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی را ایفا می‌کرد. خبرنگاران و متخصصان، هر زمان قصد داشتند موفق بودن آمارهای نهادهای مختلف را بسنجند، آنها را با داده‌های منتشر شده از سوی مرکز آمار مقایسه می‌کردند. اما از دهه ۸۰ به بعد، به تدریج، این نهاد نیز مرجعیت خود را از دست داد. یکی از اولین موارد مشهود دستکاری آمارهای اقتصادی در این دوران بود.

وقتی نتایج سرشماری نشان داد که نرخ بیکاری در مقایسه با دوره‌های قبل افزایش یافته است، دولت تصمیم گرفت روش محاسبه نرخ بیکاری را تغییر دهد. این تغییر روش منجر شد تا یک سال بعد، برای اولین بار طی سال‌های اخیر، نرخ بیکاری به زیر ۱۰ درصد کاهش یابد، در حالی که بسیاری از کارشناسان این رقم را غیرواقعی دانستند.

ماجرای دیگری که این روند را تقویت کرد، در سال ۱۳۸۶ رخ داد. رئیس‌جمهور وقت در یک نشست خبری در تلویزیون، ضمن ارائه آمارهایی درباره وضعیت اقتصادی کشور، اعلام کرد که ضرب جینی (شاخص نابرابری درآمد) در سال ۱۳۸۷ پایین‌ترین مقدار خود را طی سال‌های پس از انقلاب به خود دیده است. این در حالی بود که هنوز هیچ یک از نهادهای مربوطه، از جمله بانک مرکزی و مرکز آمار، اقدام به انتشار این آمار نکرده بودند.

دستکاری آمارها در طول تاریخ ایران سابقه داشته است. گزارش‌هایی وجود دارد که برخی آمارها در دوره پهلوی، به خصوص در زمینه توسعه و روستایی، با هدف نشان دادن پیشرفت اقتصادی تحریف می‌شدند. با این حال، مرکز آمار در آن دوره هنوز نسبتاً مستقل عمل می‌کرد.

در دوران جنگ تحمیلی نیز بسیاری از داده‌های اقتصادی و جمعیتی به دلیل شرایط خاص جنگی یا سیاست‌های نظامی منتشر نمی‌شدند یا در مواردی در راستای ایجاد فضایی امیدوارکننده گزارش می‌شدند.

اما در دهه‌های اخیر، بی‌اعتمادی عمومی به آمارهای دولتی به طور جدی‌تری شکل گرفت. مخصوصاً در حوزه‌هایی مثل تورم و بیکاری که مستقیماً با زندگی مردم سروکار دارند. برای مثال، طبق گزارش‌های مرکز آمار، تورم سال ۱۴۰۲ حدود ۳۷ درصد بوده است، در حالی که منابعی مانند بانک جهانی ارقامی بالاتر از ۴۰ تا ۵۰ درصد را گزارش کرده‌اند. این تفاوت باعث شده است که مردم، آمارهای رسمی را نادرس‌ت و گاهی همراه با قصد فریب بدانند. بی‌اعتمادی عمومی به آمارهای دولتی دقیقاً از همین نقاط آغاز شده است: زمانی که مردم در خریدهای روزمره خود افزایش چشمگیر قیمت‌ها را احساس می‌کنند، ولی نهادهای دولتی اعدادی را منتشر می‌کنند که با تجربه روزمره آنها همخوانی ندارد.

در این شرایط، ضرورت دارد که نهادهای آماری ایران، بازگشت به شفافیت، استقلال و استانداردسازی را در اولویت قرار دهند. فقط زمانی می‌توان به اعتماد عمومی به آمارها امید داشت که داده‌ها بدون دستکاری، به موقع، با روش‌های شفاف و در دسترس عموم قرار گیرند.

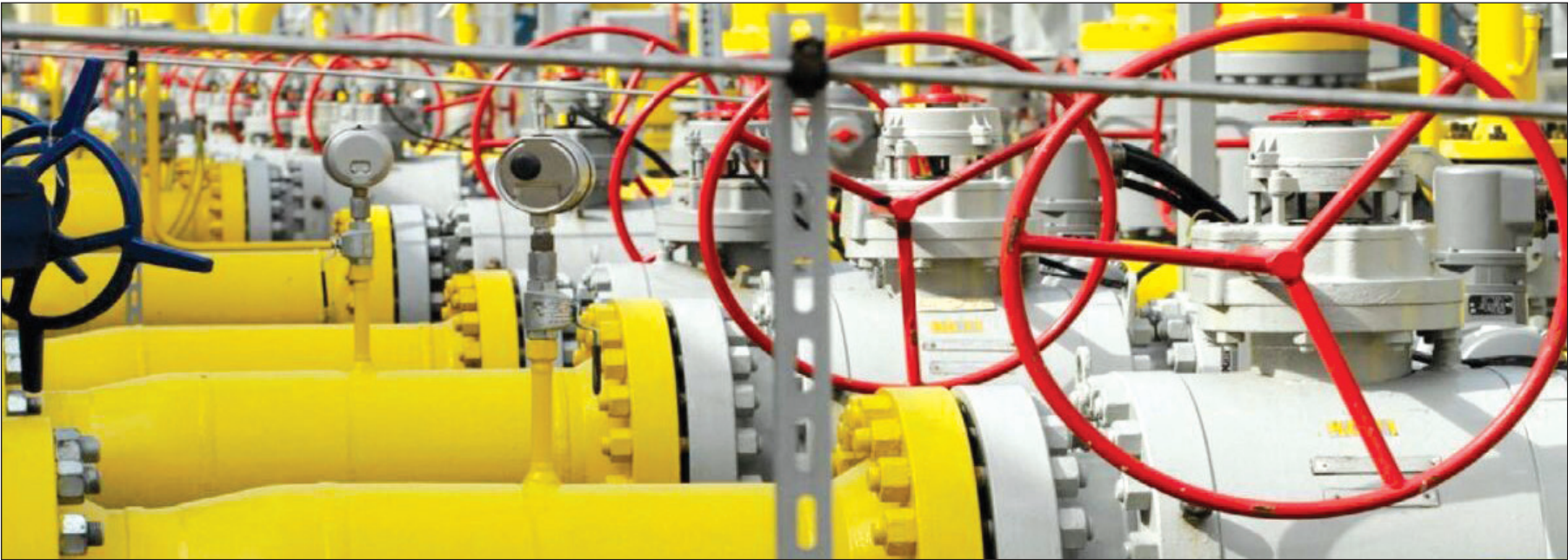
توزیع برق تهران زیر ذره‌بین

پیامک‌های اشتباه و ناراضایتی مشتریان

شركت توزیع نیروی برق تهران بزرگ
مشتری محترم: حسین
پته تلفن: ۰۲۰۷۳۰۰۰۰
شماره: ۹۵۵۲۸۰۹۷۹
مبلغ بدهی: ۲۷۹۳۴۱۶۳ ریال
مبلغ قابل پرداخت: ۱۸۴۰۰۰۰۰ ریال
شماره قبضه: ۹۵۴۵۴۱۲۳۰۱۱
شماره پرداخت: ۱۸۵۵۵۰۴۵۰۸۸
مهلت پرداخت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰
مشاهده و پرداخت قبضه:
https://zarar.com/af/9446432304329

شركت توزیع نیروی برق تهران بزرگ
مشتری گرامی:
به شماره قبضه: ۹۵۴۵۴۱۲۳۰۱۱
بوجه به ازوم مصرف انرژی از
توزیعبرقاری های مصرف‌کننده و ایرجه‌وری
نمای ساختمان اکتفا خودماری نماید.
بدهی است در صورت عدم رعایت و یا
توجه به صورت نامتن برق مشترکین ، در
اولویت محسوب می‌باشد.

در حالی که اغلب شرکت‌های توزیع برق در استان‌های مختلف کشور، امکان تصحیح مستقیم پیامک‌های اشتباه قبض برق را برای مشتریان خود فراهم کرده‌اند، شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ هنوز چنین قابلیتی را در سیستم خود تسهیل نکرده است. این موضوع باعث شده است که برخی شهروندان به‌طور ناخواسته یا به دلیل بی‌دقتی، هزینه برق مصرفی دیگران را پرداخت کنند. پیامک‌های قبض برق که به شماره همراه مشترک از سال می‌شود، گاهی حاوی شماره شناسه قبض و شناسه پرداخت مشترک دیگری است و این مسئله، مشکلات فراوانی برای مشتریان ایجاد کرده است. مشکل زمانی پیچیده‌تر می‌شود که برخی مشتریان بر مصرف به‌صورت عمدی شماره موبایل دیگران را در سیستم ثبت می‌کنند تا از پرداخت هزینه برق خود شانه خالی کنند. این اقدام به نارضایتی عمومی دامن می‌زند و امنیت مالی و حقوقی مشترکان واقعی را به خطر می‌اندازد. عدم وجود مکانیزمی برای اصلاح پیامکی این اشتباهات در تهران بزرگ، نشان از ضعف در سیستم مدیریت قبض‌های الکترونیکی برق دارد که باید هر چه سریع‌تر رفع شود. در مقابل، شرکت‌های توزیع برق اغلب استان‌ها با فراهم کردن امکان اصلاح آسان پیامک‌های اشتباه، تا حد زیادی از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کرده‌اند و رضایت مشترکان خود را جلب کرده‌اند. تهران به‌عنوان پایتخت کشور و بزرگ‌ترین بازار مصرف برق، نیازمند سیستم‌های هوشمند و پاسخگو در این حوزه است تا حقوق مشترکان به درستی رعایت شود و از سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود. انتظار می‌رود شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ هر چه سریع‌تر به‌روزرسانی‌هایی در سامانه پیامک‌های خود انجام دهد.



در غیاب فرش، پسته و زعفران چه فروختیم؟

فقط گاز

- در لیست بلند کالاهای صادراتی، نشانی از مصرف‌کننده نهایی نیست؛ همه چیز خوراک کارخانه‌های دیگر کشورهاست
- ایران نهاده‌های انرژی را تامین می‌کند، دیگران می‌سازند



شبنم فروچی
پژوهشگر اقتصادی

غیرنفتهی ایران، اگر از نام و کد تعرفه‌ها بگذریم، یک چیز خودش را به رخ می‌کشد: گاز. گاز طبیعی فشرده، پروپان، متانول، بوتان، نفت سفید، قیر، اوره، آمونیاک. تمام ستون‌های صادرات کشور با مشتقات نفت و گاز پر شده؛ داستان همان است که بود، فقط شکلی کمی تغییر کرده است.

ایران در ۱۱ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۳، حدود ۲۰ میلیون تن گاز طبیعی به حالت فشرده صادر کرده است. همین یک قلم، حدود ۶.۶ میلیارد دلار ارزش وارد کشور کرده، عددی که از جمع چندین و چند کالای صادراتی کشاورزی یا صنعتی هم بیشتر است. بالای لیست ایستاده و تکان هم نمی‌خورد. پشت سرش پروپان است؛ ۶ میلیون تن با ارزشی حدود ۳.۳ میلیارد دلار. در رتبه سوم متانول نشسته، کمی پایین‌تر بوتان، همه چیز بوی گاز می‌دهد.

در مقابل، جای بعضی کالاها در فهرست

پرفروش‌های صادراتی خالی است. نه پسته‌ای دیده می‌شود، نه زعفرانی، نه فرش، نه دستگاهی. کالای مصرفی نهایی در این لیست نیست. کسی از ما کالا نمی‌خرد تا استفاده کند؛ همه چیز یا سوخت است یا خوراک صنایع دیگر کشورها. نه برندی، نه بسته‌بندی، نه نامی که بیرون از مرزها شناخته شده باشد. مثل آن است که اقتصاد صادراتی ایران در حد تامین‌کننده مواد اولیه متوقف مانده است.

بازار صادرات ایران حالا تقریباً مشخص است. چین، هند، عراق، امارات، ترکیه. گاهی روسیه، گاهی افغانستان. مقصدها تغییر زیادی نکرده‌اند. درواقع، در سال‌هایی که ارتباط با بازارهای اروپا و شرق آسیا محدود شده، این پنج کشور نقش حیاتی پیدا کرده‌اند. آنها فراتر از مشتری و در واقع شریک معاملاتی‌اند. گاهی تهاتر می‌شود، گاهی پای ارزهایی مثل یوان و درهم در میان است، گاهی هم تسویه‌ها از طریق کشور سوم انجام می‌شود. آمار گمرک چیز زیادی درباره داستان پشت این صادرات نمی‌گوید. فقط عدد است و وزن و دلار. اما از همین عددها می‌شود فهمید که اقتصاد ایران، هرچقدر هم به سیاست خودکنای دل بسته باشد، هنوز از گاز درآمده‌دار. هنوز مشتریانی هستند که حاضرند از ایران انرژی بخرند. اینکه این درآمدها چگونه خرج می‌شود، بحث دیگری است. اما وجود این درآمدها در بحبوحه محدودیت‌های بین‌المللی، خودش پیام خاصی دارد.

ماده اولیه را می‌فروشیم و محصول نهایی را وارد می‌کنیم

برخی از کالاها در این لیست چشمگیرند. برای مثال، صادرات اوره به حدود ۴ میلیون تن رسیده است. متانول بالای ۵ میلیون تن. قیر، نزدیک به ۲.۵ میلیون تن. اینها مواد خامی هستند که در

زمزمه‌هایی از باز شدن دوباره پنجره‌های تجاری به کمک مذاکره سیاسی به گوش می‌رسد. برخی امید دارند که گفت‌وگوهای تازه با غرب یا همسایگان، گره‌هایی از تجارت خارجی باز کنند.

کشورهای دیگر به محصولات با ارزش افزوده بالا تبدیل می‌شوند. چیزی که در ایران شکل نگرفته، در جاهای دیگر جان می‌گیرد. مسامده اولیه را می‌فروشیم و محصول نهایی را وارد می‌کنیم، اگر مجاز باشد و در لیست اولویت‌های ارزی اعلام شده از سوی کارگروه‌ها و کمیته‌های مختلف باشد. در نگاه دقیق‌تر، می‌توان گفت صادرات انرژی برای ایران تبدیل به یک شبکه موازی اقتصاد شده؛ شبکه‌ای که خودش قوانین خاص خود را دارد. فروش با تخفیف، دور زدن تحریم‌ها، استفاده از کشتی‌های اجاره‌ای، پرداخت‌های غیرمستقیم، همه بخشی از این مدل‌اند. حتی گاهی قرار دادهایی امضا می‌شود که دولت در رسانه‌ها درباره آن سکوت می‌کند، ولی در آمار صادرات خودش را نشان می‌دهد.

نکته این جاست که این ترکیب صادراتی، بسیار وابسته به شرایط بین‌المللی است. اگر قیمت گاز پایین بیاید، اگر مسیرهای حمل‌ونقل مختل شود، اگر مشتری سیاست‌های وارداتی‌شان را عوض کنند، بخش بزرگی از این درآمدها ممکن است دود شود. اتفاقی که در برخی ماه‌ها افتاده و به تغییرات عجیب در حجم صادرات منجر شده است. برای نمونه، در مهر و آبان صادرات متانول افت قابل‌توجهی داشته، چون تقاضا در بازار چین افت کرده بود. برای بسیاری، این که ایران هنوز

کشور	بانک‌های خارجی فعال	خدمات ارائه‌شده
ترکیه	HSBC, Citibank, Deutsche Bank, ING و...	کارت اعتباری بین‌المللی، حساب دلاری و یورویی، تسهیلات ارزی
عراق	بانک‌های لبنانی، اردنی، اماراتی	انتقال پول منطقه‌ای، تسهیلات بازرگانان، خدمات حواله بین‌المللی
پاکستان	QNB, Standard Chartered, UBL UK و...	حساب ارزی، همکاری‌های مالی با چین و کشورهای خلیج فارس
آذربایجان	Ziraat Bank ترکیه، بانک‌های روسی	دسترسی تجار ترک و روس، نقل‌وانتقال امن، حمایت از سرمایه‌گذاران
افغانستان	AIB، بانک‌های خصوصی با همکاری خارجی	سرویس‌های محدود ولی قابل دسترسی برای تجارت مرزی
ارمنستان	HSBC, ACBA, Ameriabank	تعامل مالی با اتحادیه اروپا، کارت‌های ارزی، خدمات بانکی برای اتباع خارجی

نمادین دارد و عملاً خدمات بانکی گسترده‌ای ارائه نمی‌دهد.

چرا حضور بانک‌های خارجی اهمیت دارد؟

این موضوع صرفاً درباره راحتی گردشگر یا تاجر نیست، بلکه موضوع سرنوشت اقتصاد واقعی کشور است. بانک‌های خارجی حلقه وصل اقتصاد محلی با اقتصاد جهانی‌اند. آنها پول را تامین می‌کنند، اعتبار می‌دهند، ریسک‌های مالی را مدیریت می‌کنند و خدماتی ارائه می‌دهند که بدون آنها کسب‌وکارها نمی‌توانند رشد کنند.

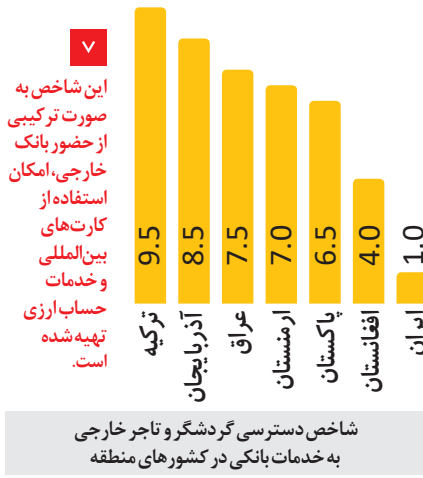
برای مثال در عراق یا ترکیه، کشاورز، کارخانه‌دار یا صادرکننده به راحتی می‌تواند وام بگیرد، پول مواد اولیه‌اش را سریع پرداخت کند و درآمد صادراتش را بدون دردسر به حسابش منتقل کند. همین موضوع باعث شده بخش واقعی اقتصاد آنها تقویت شود. گردشگری هم با وجود کارت‌های بانکی بین‌المللی رونق بیشتری دارد. در ایران اما بخش زیادی از این ظرفیت‌ها بلااستفاده مانده است. نبود بانک‌های خارجی یعنی کسب‌وکارها با مشکلاتی مثل عدم دسترسی آسان به ارز، وام‌های محدود و هزینه‌های بالا برای انتقال پول روبه‌رو هستند. این موارد باعث شده تجارت خارجی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کند و پر هزینه شود.

پیامدهای محدودیت‌های بانکی برای اقتصاد ایران

وقتی بانک‌های خارجی نیستند، هزینه‌های نقل و انتقال پول بالا می‌رود و بسیاری از معاملات به صورت نقدی یا غیررسمی انجام می‌شود که خطر ریسک و فساد را بالا می‌برد. شرکت‌ها و صادرکنندگان برای انجام معاملات مجبورند راه‌های پیچیده و گران‌رانتخاب کنند که سرعت کار را پایین می‌آورد و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. در نتیجه، شرکت‌ها کمتر به فکر توسعه و سرمایه‌گذاری می‌افتند. سرمایه‌گذاران خارجی هم به دلیل ریسک‌های مالی، کمتر وارد بازار ایران می‌شوند. صنعت گردشگری هم که می‌تواند منبع درآمد بزرگ باشد، از نبود خدمات مالی بین‌المللی لطمه می‌بیند.

راهکارهایی که باید جدی بگیریم

اگر قرار است وضعیت بهتر شود، باید موانع پیش‌روی بانک‌های خارجی برداشته شود. رفع تحریم‌ها و ایجاد زیرساخت‌های بانکی مدرن، اولین قدم‌های لازم‌اند. قوانین بانکی باید با استانداردهای جهانی هماهنگ شوند تا



بانک‌های خارجی چگونه تجارت و گردشگری را در همسایگان رونق داده‌اند؟

صرافی‌ها و رمزارز، تنها پناهگاه ایران

- تحریم‌ها و قوانین سخت‌گیرانه باعث شده‌اند بانک‌های خارجی نتوانند به ایران وارد شوند
- نبود بانک‌های خارجی، گردشگری و تجارت در ایران را با مشکلات انتقال پول و هزینه‌های بالا مواجه کرده است

مهدی خاکی فیروز
دبیر سرویس اقتصادی

اگر همین حالا به یکی از کشورهای همسایه ایران مثل عراق، ترکیه، آذربایجان، یا پاکستان سری بزنید، با تصویر جالبی روبه‌رو می‌شوید: بانک‌های خارجی، از بانک‌های بزرگ جهانی گرفته تا بانک‌های منطقه‌ای، مثل قارج بعد از باران بهاری، در شهرهای مختلف ریشه دوانده‌اند. آنها به گردشگران، تاجران و سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کنند تا بدون دردسر و با کارت‌های بانکی‌شان پول خرج کنند. حساب باز کنند و معاملات‌شان را سریع انجام دهند. کافی است کارت بانکی کشور خودتان را داشته باشید. همانجا می‌توانید خرید کنید یا پول حواله کنید. اما همین‌اگر به ایران بیایید، داستان کاملاً فرق دارد. اینجا تقریباً هیچ بانک خارجی فعال و قابل دسترسی نیست. فقط یک بانک مشترک ایران و وزن‌ولا هست که بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد تا خدمات بانکی واقعی. برای گردشگران و تاجران خارجی، دسترسی به خدمات مالی آن قدر سخت است که خیلی‌ها از همان اول ترجیح می‌دهند در کشور دیگری کارهایشان را انجام دهند.

همسایه‌ها چگونه بانک‌های خارجی را پذیرفته‌اند؟

بگذارد از عراق شروع کنیم. کشوری که ایران با آن بیشترین مرادوات تجاری را دارد. بانک‌های قطری، اسلامی و حتی بانک‌های بین‌المللی مثل QNB قطر در این کشور فعالند. این بانک‌ها سبب شده‌اند که تاجر عراقی یا خارجی خیلی راحت بتواند معاملاتش را انجام دهد، پول حواله کند و ترکیه‌اما یک داستان جداس‌ت. ترکیه را می‌توان دروازه ورود به اروپا برای تجارت خاورمیانه دانست. بانک‌های بزرگی مثل Standard, HSBC, Deutsche Bank, Citibank و Chartered اینجا شعبه دارند و هر نوع خدمات بانکی پیش‌رفته‌ای ارائه می‌دهند. این بانک‌ها به واردکنندگان، صادرکنندگان، شرکت‌های کوچک و متوسط کمک می‌کنند و گردشگری را هم با خدمات کارت و انتقال ارز راحت کرده‌اند. آذربایجان، ارمنستان، پاکستان و افغانستان هم

...

ماجرای اینجا خیلی فرق می‌کند. تحریم‌های بین‌المللی، قوانین سخت‌گیرانه و زیرساخت‌های بانکی ناکافی باعث شده بانک‌های خارجی عملاً از ورود به ایران خودداری کنند. شاید برای خیلی‌ها عجیب باشد که چرا ایران، با این همه پتانسیل اقتصادی، هیچ بانک خارجی قابل اتکایی ندارد؟ دلیل اصلی تحریم‌ها و مشکلات بین‌المللی است که تعاملات مالی ایران را به‌شدت محدود کرده.

این محدودیت‌ها باعث شده گردشگران خارجی نتوانند به راحتی با کارت‌های بانکی‌شان پول خرج کنند، تاجران نتوانند انتقال پول سریع و مطمئن داشته باشند و سرمایه‌گذاران خارجی هم با ریسک بالا و هزینه‌های زیاد مواجه باشند. بانک مشترک ایران و وزن‌ولا هم بیشتر جنبه

روایت‌های آناهیتا غنی‌زاده، از سختی‌های فعالیت در حوزه تئاتر کودک و نوجوان

دولت حمایت نمی‌کند بخش خصوصی به تئاتر قائل نیست

● در حوزه تئاتر کودک و نوجوان قانون حمایتی وجود ندارد، فقط کانون پرورش فکری مانده

گزیده‌کاری در تئاتر، سختگیری تولید یا عدم حمایت

اگر ما نتوانیم خودمان را با آن‌ها تطبیق دهیم، کار کردن برای آن‌ها دشوار می‌شود یا نمی‌تواند مفید باشد. پس وقتی کار می‌کنیم، بهتر است بدانیم برای مخاطب چه اتفاقی می‌افتد و چطور می‌توانیم شرایط بهتری برای ایجاد ارتباط آنان با والدین و مربیان‌شان فراهم کنیم. البته که اقتصاد دغدغه همیشگی ما در این حیطه است. وقتی می‌خواهید نمایشی روی صحنه ببرید، باید به همه جوانبش فکر کنید و آن ایده را در بهترین نحو به اجرا گذارید. به همین خاطر استفاده از نیروهای متخصص نیازمند دستمزد مناسب است و به تناسب آن اقتصاد اهمیت پیدا می‌کند. در این حوزه حامی وجود ندارد. در قوانین دولتی برای حمایت از این بخش لغو شده‌اند. مرکز هنرهای نمایشی، پیش از این کمک هزینه‌ای برای پیش تولید در نظر می‌گرفت که حالا دیگر وجود ندارد. البته کانون پرورش فکری این نقش را ایفا می‌کند.

مخاطب شناسی در تئاتر بسیار مهم است. همه باید مخاطب‌شان را بشناسند، و لسی حساسیت و دغدغه‌مندی وقتی بیشتر می‌شود که با خردسال، کودک و نوجوان والدین‌شان مواجه هستیم. بنابراین برای شناخت مخاطب باید به روز باشیم. از طریق آموزش و نگارش متونی که به درد مخاطب بخورد، به روز می‌شویم و همین‌طور مخاطب روزمان را می‌شناسیم. مخاطبان ما به تناسب شرایط و آگاهی‌شان متفاوت هستند. وجود ابزارهای هوشمند بچه‌ها را پیش‌روتر از ما کرده است.



دغدغه‌های تئاتر کودک و نوجوان؛

مفاهیم جهان شمول

ترجیح می‌دهم برای یافتن سوژه با نگاهی به دغدغه امروز جامعه، با مربیان یا والدین گفت‌وگو کنم. باید اثری خلق کنیم که تاریخ مصرف نداشته باشد؛ دغدغه‌ای که نتوان برایش زمان مشخص کرد. نمایش «عشق که می‌گویند چیست؟» موضوعی جهان شمول دارد که همیشه می‌توان از آن صحبت کرد و مخاطب را به فکر در مورد آن واداشت.



فلسفه برای کودک

در تئاتر کودک و نوجوان

خوشبختانه امروز بحث فیک (فلسفه برای کودک)، مطرح است و خانواده‌های زیادی با این مسئله مواجه‌اند. اگر در دهه اخیر در ایران کمتر به این موضوع توجه می‌شد، اما در پنج سال گذشته و قبل از شیوع کرونا، این مسئله در کشور مطرح شده و در کلاس‌های متعدد و کتاب‌های تالیفی و ترجمه که با بچه‌ها از فلسفه و چپستی‌ها صحبت می‌کنند؛ بحث فلسفه برای کودک و نوجوان طرح و آغاز شده است. البته نباید مستقیم گویی داشته باشیم، باید طرح سوال کرد و برای رسیدن به جواب، پیشنهادهایی داشت. باید ذهن بچه‌ها را برای رسیدن به پاسخ آماده کرد. در نمایش «عشق که...» سعی کردیم به بچه‌ها بگوییم عشق از منظر هر کس می‌تواند تعاریف مختلفی داشته باشد، ما قرار نیست تعریف مشخصی از عشق بدهیم. در نهایت برداشت تماشاچیان شبیه هم بود؛ مهرورزی، محبت و دوست داشتن بود.



اقتباس ادبی ساختار ویژه‌ای دارد

نمایش‌هایی که روی صحنه برده‌ام، اقتباس از ادبیات نمایشی است. داستان «اسب و سیب و پهار» از کتاب زنده‌باد احمد رضا احمدی اقتباس کردیم. نمایش اخیر نیز چنین اتفاقی افتاد. معتقدم با وجود پتانسیل مناسبی که در داستان وجود دارد باید به ادبیات نمایشی ورود کنیم. داستان تا به درام تبدیل نشود، نمایش موفقی نمی‌شود. بنابراین حتی اگر نمایشی از کتاب یا داستانی اقتباس شده باشد، قطعاً نمایشنامه‌اش نوشته شده است. قصه بدون شخصیت پردازی یا فرمت نمایشنامه قابل قبول نیست. البته وقتی از اقتباس ادبی در تئاتر استفاده می‌کنیم، باید به محتوا و ساختار نمایشنامه توجه شود. نمی‌توانیم به ساختار نمایشنامه بی‌اعتنا باشیم اما از اقتباس ادبی استفاده کنیم. ضمن این که ما گنجینه‌های ادبی زیادی داریم که پتانسیل اقتباس در آنها وجود دارد. این یکی از دغدغه‌های من است. امیدوارم در آینده چنین اثری را آماده کنم و روی صحنه ببرم. این یکی از آرزوهای من است.

تمرین تنهایی مردم مرا

به مفهوم عشق رساند

برای نمایش جدید دنبال موضوعی به روز بودم تا ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند. پس از کرونا، اغلب مردم زندگی تنهایی و انفرادی را تمرین می‌کنند! تکنولوژی هم کمک می‌کند تا بیشتر سراغ تنهایی بروند. این برایم سوال شد که چطور سراغ این مسئله برویم و مخاطب را وادار به فکر کنیم که اگر تنها نباشد چه اتفاق‌های خوشایندی را تجربه خواهد کرد. با این هدف به ناشران مختلف سر زدم تا کتابی برای گروه سنی ۸ تا ۱۲ سال که قابلیت تبدیل به نمایش داشته باشد را پیدا کنم. «عشق که می‌گویند چیست؟» یکی از کتاب‌ها بود که خیلی تحت تأثیرم قرار داد. کتاب انتخاب و نمایشنامه به قلم خانم خسروی نوشته شد.



احمد رضا حجازی زاده
هفت صبح

آناهیتا غنی‌زاده از کارگردان‌های عرصه تئاتر کودک و نوجوان است که نمایش‌هایی ماندگار و تأثیرگذار برای مخاطب آماده و اجرا می‌کند. او از سال‌ها پیش به عنوان پژوهشگر، مولف و مدرس هنرهای نمایشی در حیطه بزرگسالان، کودکان و نوجوانان فعال بوده و سال ۸۳ آموزشگاه هنری رامارا تأسیس کرد و سال ۹۴ آکادمی هنری رامارا بنیان گذاشت. او زمستان سال گذشته، نمایش «عشق که می‌کن چیه؟» را بر اساس کتاب «عشق که می‌گویند چیست؟» نوشته «دیوید کالی» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تولید کرد که به یکی از پرمخاطب‌ترین نمایش‌های کودک در سال ۱۴۰۳ تبدیل شد. حالا دور دوم اجراهای این نمایش در کانون پرورش فکری، میزبان مخاطبان است. به این بهانه، با آناهیتا غنی‌زاده درباره نمایش و شرایط تولید تئاتر برای کودک و نوجوان گپ زدیم.



مخاطب هدف بچه‌ها بزرگسالان مشتاق ترند

سالن‌های تئاترمان بسیار محدودند. سالن تئاتر خاص نوجوان نداریم. به همین دلیل در سالن‌های عادی با بچه‌های خردسال و کودک مواجه می‌شویم که با خانواده‌های‌شان به تماشای نمایش آمده‌اند. ما اما قرار نبود کاری روی صحنه ببریم که برای بزرگسالان باشد، ما نمایشی برای کودکان و نوجوانان تولید کردیم. این که بزرگسالان یا کارهای ما ارتباط برقرار می‌کنند، به دلیل معنای زندگی است که در کارها می‌بینند. تصویری از زندگی روزمره‌شان که می‌تواند همان‌طور که سرشار از عشق و محبت است، لبریز از غم و ناراحتی باشد. طبیعی است که بزرگسالان هم با این آثار همذات‌پنداری می‌کنند. دیدن این ارتباط خوشایند است. در شرایطی که ما درگیر فضای تنهایی خودمان هستیم، عشق برای دقایقی ما را از تنهایی دور می‌کند و وارد دنیایی سرشار از رنگ، زیبایی، جذابیت، مهر و محبت می‌کند؛ و همین اتفاق بزرگسالان را هم با خود همراه می‌کند.

سختی‌های تئاتر کودک و نوجوان؛

مقصر دولت یا بخش خصوصی؟

ما در شرایط بسیار سختی کار می‌کنیم. به خصوص تئاتر کودک و نوجوان، با همه دغدغه‌مندی و تلاش اما این حوزه دیده نمی‌شود. دولت هم هیچ حمایتی نمی‌کند در حالی که تئاتر یکی از موثرترین ابزارهای آموزش و پرورش و بالندگی شخصیت‌های بچه‌ها از دوران خردسالی است. تئاتر نقش موثری برای ساختن نسل آینده کشور دارد، اگر در مدارس با مربیان حاذق به درستی آموزش داده شود. افرادی هم که با حاطه و شناخت نسبت به این موضوع، قصد انجام کار دارند با این دست مواجه می‌شوند، ناامید و در نهایت کمرنگ می‌شوند. من می‌خواهم در این فضا موثر باشم، پس باید هر فصل یا هر سال دو نمایش روی صحنه ببرم، اما امکان‌ناپذیر نیست. حمایت اقتصادی یکی از دلایل بهبود شرایط است. علاوه بر نقش دولت، بخش خصوصی وارد این حوزه نمی‌شود. درواقع آنان هیچ تعریفی از وظایف‌شان در قبال فرهنگ و هنر ندارند. در حالی که دولت اگر نمی‌تواند ورود کند می‌تواند بخش خصوصی را در این مسئله درگیر کند، با راه‌هایی مثل مالیات.

قانونِ نانوشته ممنوعیت نوازندگی زنان در صحنه‌های موسیقی اصفهان پایان پذیرفته است

زنان موسیقیدان دیگر پشت صحنه نمی‌مانند

● تجربه کنسرت‌های لغوشده؛ با احتیاط خوشحالی کنید



سما بابایی
هفت صبح

گروه موسیقی «لیان» به سرپرستی محسن شریفیان، در تاریخ ۲۴ تا ۲۶ اردیبهشت‌ماه، طی شش سانس در سالن سنتی سنتر اصفهان روی صحنه رفت و میزبان بیش از ۶۵۰۰ تماشاگر بود. اما این اجرا با یک اتفاق همراه شد: حضور لیانا شریفیان، نوازنده زن، برای نخستین بار روی صحنه‌ای در اصفهان.

این اجرا نقطه پایان ممنوعیتی نانوشته بود. قانونی که رسمی نبود اما سال‌ها اجرا می‌شد. حالا پس از دو سال پیگیری و تعامل میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئولان استانی، این ممنوعیت برداشته شده است. محسن شریفیان پس از دونوازی نی انبان با دخترش گفت: «زنان بخش جدایی‌ناپذیر موسیقی و هنر این سرزمین هستند و حذف آنها امکان‌پذیر نیست. خوشحالم که توانستیم این طلسم را بشکنیم.»



پیروزی نمادین را باید جشن گرفت؟

تصمیم‌ها می‌توانند موقتی، منطقه‌ای و وابسته به مدیران وقت باشند. تجربه کنسرت‌هایی که در لحظه آخر لغو شده یا نوازندگان زنی که در پشت صحنه نگه داشته شده‌اند، هنوز تازه است.

به دیگر استان‌ها هم تعمیم یابد، می‌توان از آن به عنوان نقطه پایان تبعیض ساختاری در اجرای زنده موسیقی یاد کرد. اما باید با احتیاط خوشحال بود. چون همان‌طور که در سال‌های گذشته دیده‌ایم، این

رفع ممنوعیت حضور زنان نوازنده در اصفهان، قطعا یک پیروزی نمادین و واقعی است. اصفهان به عنوان یکی از استان‌های پیشگام در اعمال این ممنوعیت حالا این قانون را برداشته است. اگر این تصمیم

محسن شریفیان: آینده موسیقی کشور در دست زنان است

..... زنان با قدرت به صحنه آمدند

دختران در دوره‌هایی وجود داشته‌اند، پاسخ دهند. چرا که این سکوت تحمیلی، این حذف بی‌دلیل، این اضطراب دائمی برای اجازه گرفتن، ضربات بسیاری به هنرمندان زن وارد آورد و باید روشن شود که چه فرصت‌هایی از موسیقی این سرزمین گرفته شد. فقط چون دختران نمی‌توانستند ساز بزنند روی صحنه.

🔴 زنان راه خود را می‌روند، مردان باید کنارشان بایستند اما امروز دیگر نمی‌توان حضور زنان را نادیده گرفت. حضورشان قابل انکار نیست. نه تنها باید کنارشان ایستاد، که باید مسیر را برای‌شان هموار کرد. این حداقل کاری است که مردان موسیقی می‌توانند انجام دهند. اگر هم نکنند زنان باز راه خود را می‌روند، چون می‌دانند آینده از آن‌ها خواهد بود.

من معتقدم آینده موسیقی ایران به ویژه در حوزه نوازندگی، دست زنان خواهد بود و این مسئله را بارها گفته‌ام که هم‌اکنون زمان بروز استعداد زنان جامعه در بخش‌های مختلف و همچنین در عرصه موسیقی است. سال‌ها این استعدادها پشت دیوارهای نادیده‌انگاری ماندند. نه تربیونی بود، نه امکاناتی، نه حتی حق تمرین جمعی در خیلی از مناطق. اما حالا که فرصت حتی اندکی فراهم شده، می‌بینیم با چه قدرتی جلو آمده‌اند. دقیق، پراثری، با دانش و با احترامی که برای موسیقی قائل هستند.

🔴 فرصت‌هایی که از دختران ربوده شد البته مسئولان فرهنگی کشور باید درباره محدودیت‌ها و معذورت‌هایی که در حوزه نوازندگی به خصوص برای



داستان از کجا شروع شد؟

یک واقعیت پذیرفته‌اند، نوبت به نوازندگی رسیده بود و همین هم ظاهراً «غیرقابل تحمل» شده بود و بدین ترتیب زنان در بسیاری از شهرها، نه به عنوان تکنواز و نه عضو ارکستر اجازه حضور روی صحنه را نداشتند. این تصمیمات اغلب از سوی نهادهای غیررسمی، موازی و گاه محلی گرفته می‌شد و وزارت ارشاد نیز معمولاً خود را از مسئولیت مستقیم آن کنار می‌کشیدند.

«بانوان در ۱۳ استان نمی‌توانند روی صحنه بروند.» این موضوع در اواخر دهه ۹۰ آغاز و تا سال‌های سال ادامه داشت و موجی از واکنش‌های سردرگم، ناراضی و پرسشگرانه در میان اهالی موسیقی به ویژه زنان نوازنده برانگیخت.

در حالی که اجرای خوانندگی برای زنان در ایران سال‌هاست ممنوع است و تقریباً همه آن را به عنوان

پاپ تداخلی با حضور زنان ندارد

برای گروه‌های موسیقی پاپ، شاید این موضوع کمتر چالش برانگیز بوده باشد. چون عمدتاً گروه‌های پاپ از نوازندگان زن کمتری استفاده می‌کنند، اما برای ارکسترهای کلاسیک یا گروه‌های موسیقی سنتی مشکلات بسیاری را ایجاد کرد.

ساز در دست دختران،

موسیقی را ارتقای دهد

در هر گروهی که ساز در دست دختران بوده، کیفیت کار بالا رفته است و تمام اهالی موسیقی می‌توانند به آن اشاره کنند. دخترها اگر دیده شوند، اگر جدی گرفته شوند، می‌توانند جریان موسیقی را متحول کنند. می‌توانند نسل جدیدی از نوازندگان را بسازند که هم ریشه در فرهنگ دارند و هم نگاه‌شان به آینده است.

زنان باخشونت فرهنگی

کنار گذاشته می‌شوند

در آن دوران (و هنوز هم) آن‌چه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، تاثیر عمیق و ماندگار آن بر خلاقیت، اعتماد به نفس و انگیزه نوازندگان زن است. این که با وجود تمرین، تلاش، تولید اثر، آموزش و سال‌ها حضور در صحنه باز هم در یک لحظه کنار گذاشته شوند، نه فقط یک تبعیض جنسیتی بلکه نوعی خشونت فرهنگی است. خشونت‌هایی که در سکوت اعمال می‌شود و کمتر به آن پرداخته شده است.

عکس: امیرضارعتی

سکوت نهادهای قانون‌گذار

از طرف دیگر، سکوت رسمی نهادهای قانون‌گذار درباره ماهیت این ممنوعیت‌ها نیز جای پرسش دارد. اگر قانونی وجود نداشته، چرا سال‌ها اجرا شده؟ اگر قانون بوده، چرا حالا لغو شده؟ این تناقض میان قانون و عمل، یکی از دلایل اصلی بی‌ثباتی در فضای هنری ایران است.

امید امروز باید قانون شفاف داشته باشد

اکنون، زنان نوازنده در ایران با امید بیشتری به آینده نگاه می‌کنند. اما برای آن که این امید به سرخوردگی دوباره منجر نشود، نیاز به شفاف‌سازی قانونی، حمایت نهادی و پافشاری مدنی وجود دارد. صحنه موسیقی ایران، بدون حضور زنان، صدایی ناقص دارد. همان‌طور که محسن شریفیان گفت، «حذف‌شان ممکن نیست»

سال‌های سکوت: روایت یک تبعیض بی‌سند

تا همین چند وقت پیش، چنین لحظه‌ای غیرقابل تصور بود. نوازندگان زن به‌رغم تسلط، تجربه و سهم جدی‌شان در اجرای موسیقی، از رفتن روی صحنه در بسیاری از شهرها منع می‌شدند. نه بر اساس حکم قضایی، نه طبق بخشنامه‌ای از وزارت ارشاد. تنها بر اساس ترکیبی نامرئی از فشارهای اجتماعی، سلیقه‌های محلی و نهادهای غیررسمی. این محدودیت‌ها در خوزستان، آذربایجان، خراسان، زنجان و حتی در کلان‌شهری مثل اصفهان، تا همین اواخر برقرار بود. نوازندگان حتی اگر الیوم رسمی و مجوزدار منتشر کرده بودند در کنسرت‌ها از صحنه حذف می‌شدند. برای گروه‌هایی مثل ارکسترهای سنتی که ترکیب‌شان بدون نوازندگان زن ناقص می‌شد، این ممنوعیت مانعی جدی برای ادامه فعالیت حرفه‌ای بود

هیجان بدون مرز، سن بدون عدد!

۱۰ بازی که سالمندان را دوباره به اوج می‌برند

از رنگ و معما و تعامل می‌گذرانند.

بازی‌های دیجیتال، برخلاف تصور سنتی، فقط برای برکردن اوقات فراغت نیستند؛ آنها با ساز و کارهای هدفمند خود می‌توانند حافظه، تمرکز، چابکی ذهن، روحیه و حتی سلامت جسم را تقویت کنند. در پنج سال اخیر، موجی از بازی‌ها طراحی و عرضه شده‌اند که صرفاً سرگرم‌کننده نیستند و برای سالمندان ارزش درمانی و اجتماعی نیز دارند؛ از بازی‌های کلمات و پازل گرفته تا شبیه‌ساز زندگی و بازی‌های ورزش محور. در این گزارش، شما را با ۱۰ بازی برتر جهان که در پنج سال اخیر بیش از همه برای سالمندان توصیه شده‌اند، آشنا می‌کنیم؛ بازی‌هایی که هم تفریح‌اند و هم تمرین برای مغز و روان.

ملک می‌رهمدی
هفت‌صبح

افزایش سن به معنای خاموش شدن شور بازی و سرگرمی نیست! برعکس، دنیای امروز فرصتی بی‌نظیر برای همه فراهم آورده تا در هر سنی، سرگرمی، تحرک ذهنی، ارتباط اجتماعی و حتی فعالیت بدنی را از طریق بازی‌های دیجیتال تجربه کنند. آمارهای سال‌های اخیر نشان می‌دهد که قشر بالای ۶۰ سال، دیگر مخاطبان خاموش بازی‌های دیجیتال نیستند؛ بلکه فعال‌ترین و پرشورترین کاربران پلتفرم‌های گوناگون شده‌اند. بسیاری از سالمندان امروزی با موبایل، تبلت، لپ‌تاپ یا کنسول بازی، اوقات فراغت خود را با دنیایی



WORDS WITH FRIENDS

وردزویت فرندز

دومین بازی این فهرست، به‌خصوص برای دوستان‌اران جدول و کلمات، یک گنجینه واقعی است. Words with Friends یک بازی آنلاین واژه‌سازی است که یادآور خاطرات اسکرابل و جدول کلاسیک است اما در قالبی مدرن و شبکه‌ای. شما با حریفان خود (دوستان یا غریبه‌ها) از سراسر دنیا رقابت می‌کنید تا از حروف داده شده، واژه‌های معنادار بسازید و بیشترین امتیاز را کسب کنید. این بازی هم بر موبایل و هم بر رایانه، با طراحی خوانا و ساده، ارائه شده است.

آنچه سالمندان خاص می‌کند، ترکیب همزمان سرگرمی ذهنی و تعامل اجتماعی است. بازی باعث تقویت دایره لغات، مهارت حافظه، تیزبینی و خلاقیت کلامی می‌شود. علاوه بر این، سالمندان با دعوت دوستان یا آشنایان قدیمی به بازی و استفاده از امکان چت، روابط اجتماعی خود را گسترش می‌دهند و از تنهایی فاصله می‌گیرند.



CANDY CRUSH SAGA

کندی‌کراش ساگا

بی‌تردید، کندی کراش ساگا در خشان‌ترین ستاره آسمان بازی‌های پازلی و موبایلی دنیاست. این بازی که برای گوشی‌های هوشمند و رایانه‌های شخصی ارائه شده، به شکل ساده و دلپذیر، ذهن را درگیر تطبیق آب‌نبات‌های رنگارنگ می‌کند. شما باید با چاب‌جایی خانه‌ها، سه یا بیش‌تر از یک نوع آب‌نبات را کنار هم بچینید تا حذف شوند و امتیاز بگیرد. با پیشرفت در مراحل، ابزارها و آب‌نبات‌های خاص وارد میدان می‌شوند و معماها جذاب‌تر می‌شود. دلیل محبوبیت کندی کراش میان سالمندان،

فراتر از رنگ و لعاب شیرین آن است؛ آرامش بازی، نبود فشار زمانی، امکان فکر و تأمل در هر حرکت و گرافیک بزرگ و شفاف، این بازی را حتی برای کسانی که سابقه بازی نداشته‌اند، قابل‌دسترس و لذت‌بخش کرده است. کندی کراش تمرکز و حافظه کوتاه‌مدت را تقویت می‌کند و با ایجاد احساس موفقیت پس از حل هر مرحله، برای سالمندان اعتماد به نفس و نشاط می‌آورد. در ایام کرونا، بسیاری از سالمندان در جهان با کندی کراش ارتباط عمیقی برقرار کردند و در دل انزوا، ساعت‌ها سرگرمی مثبت و ذهنی را تجربه کردند.

این بازی به‌طور مستمر با مراحل و رویدادهای جدید به‌روزرسانی می‌شود و همچنان میلیون‌ها طرفدار دارد.

DIGITAL CHESS

شطرنج آنلاین

که ذهن‌شان را وادار به تحلیل، پیش‌بینی و تصمیم‌گیری کنند؛ مهارت‌هایی که در هر سنی ارزشمند است و برای جلوگیری از کندی ذهنی فوق‌العاده مؤثر است. بازی با حریفان مجازی یا حقیقی، چت و تحلیل حرکات پس از هر بازی، شطرنج آنلاین را به تجربه‌ای تعاملی و اجتماعی تبدیل کرده است. سالمندان می‌توانند با دوستان انسان، دسترسی بازی با هوش مصنوعی یا در جات سختی مختلف را نیز می‌دهند. شطرنج به سالمندان این فرصت را می‌دهد

شطرنج، شاه‌بیت بازی‌های فکری جهان، در عصر دیجیتال تحولی چشمگیر یافته است. حالا دیگر برای یافتن حریف نیاز به باشگاه یا حضور فیزیکی نیست؛ کافیست وارد یکی از پلتفرم‌های آنلاین شطرنج شوید تا صدها هزار بازیکن از همه سنین و ملیت‌ها در دسترس باشند. نسخه‌های دیجیتال شطرنج علاوه بر امکان بازی با انسان، دسترسی بازی با هوش مصنوعی یا در جات سختی مختلف را نیز می‌دهند. شطرنج به سالمندان این فرصت را می‌دهد



بازیکنان را به سفری شیرین در دنیای کلمات می‌برد. هر مرحله، چندین واژه مخفی دارد که باید با کشف ارتباط بین حروف، آنها را پیدا کنید. سختی مراحل به تدریج افزایش می‌یابد و این خود انگیزه‌ای می‌شود برای تلاش بیشتر و حفظ پویایی ذهن.

این بازی حافظه کوتاه‌مدت و مهارت حل مسئله را تقویت می‌کند و باعث افزایش تمرکز، دقت و حتی یادگیری کلمات جدید می‌شود. سالمندان با بازی آمیززا می‌توانند در اوقات فراغت، ذهن خود را فعال نگه دارند، احساس تا هم اطلاعات عمومی و هم دایره واژگان بازیکن را به چالش بکشند. آمیززا با طراحی ساده و محیطی شاد،

آمیززا؛ چالش واژه‌ها ولدت کشف کلمات

آخرین انتخاب فهرست ما، در میان بازی‌های موبایلی که ذهن را به تحرک وادار می‌کنند، آمیززا جایگاهی ویژه برای سالمندان پیدا کرده است. این بازی که میلیون‌ها نفر را در ایران به خود جذب کرده، بر پایه پیدا کردن واژه‌ها از میان حروف پراکنده ساخته شده است و هر مرحله با هوشمندی طراحی شده تا هم اطلاعات عمومی و هم دایره واژگان بازیکن را به چالش بکشد. آمیززا با طراحی ساده و محیطی شاد،



ANIMAL CROSSING: NEW HORIZONS

دنیای رنگارنگ و آرامش‌بخش Animal Crossing: New Horizons، سالمندان را وارد جزیره‌ای خیال‌انگیز می‌کند که در آن همه چیز تحت کنترل خودشان است. این بازی روی کنسول نینتندو سوئیچ ارائه شده و به بازیکن اجازه می‌دهد دنیایی زیبا و شخصی‌سازی شده از صفر بسازد؛ خانه، باغچه، دوستان حیوانی و ماجراهای روزمره. بازی بدون رقابت، استرس یا فشار زمانی طراحی شده و بیشتر بر تعامل، خلاقیت و مدیریت به‌ساده‌متمرکز است. برای سالمندان، Animal Crossing،

بهترین گزینه برای گذراندن وقت؛ برنامه‌ریزی، آفرینش هنری و ارتباط مجازی با دیگران است. می‌توانند هر روز چند دقیقه تا چند ساعت وقت بگذارند؛ با یک باغ‌بان، با حیوانات دوست شوند، در رویدادها شرکت کنند و حتی به جزایر دوستان مجازی خود سر بزنند. این بازی کمک می‌کند حس برنامه‌ریزی، هدفمندی و رضایت از خلاقیت حفظ شود. تحقیقات نشان داده تعامل با دنیای دوستانه و آرام، خلق و خور را بهبود می‌بخشد و حس شادی و آرامش ذهنی را تقویت می‌کند.



RING FIT ADVENTURE

رینگ‌فیت ادونچر

تحرک ایجاد می‌کند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سالمندان، کاهش تحرک و ضعف جسمانی است. Ring Fit Adventure با شخصی‌سازی شدت حرکات و ارائه بازخوردهای دقیق، حتی برای افراد با آمادگی پایین بدنی نیز مناسب است. سالمندان می‌توانند با خیالی آسوده و بدون نیاز به خروج از خانه، روزانه دقایقی ورزش کنند، عضلات خود را تقویت کنند و هم‌زمان لذت پیشرفت در یک ماجراجویی دیجیتال را بچشند.

تحرک و ورزش و بازی، ایده‌ای که Ring Fit Adventure به بهترین شکل ممکن آن را محقق کرده است! این بازی انحصاری کنسول نینتندو سوئیچ با استفاده از لوازم جانبی هوشمند، بازیکن را تشویق می‌کند که حرکات ورزشی واقعی (اسکات، دویدن، کشش و غیره) را برای پیشبرد بازی انجام دهد. داستانی ماجراجویانه، محیط‌های جذاب و صدها مینی‌گیم، سالمندان را از ملال ورزش‌های تکراری نجات می‌دهد و انگیزه‌ای دائمی برای



TETRIS EFFECT

تتریس افکت

سریع، ذهن را وارد حالت تمرکز عمیق و دوری از استرس‌های روزانه می‌کند. مطالعات نشان داده انجام بازی‌هایی چون تتریس باعث بهبود هماهنگی چشم و دست، افزایش سرعت تصمیم‌گیری و تقویت مهارت‌های فضایی می‌شود؛ این یعنی تمرین ذهنی کامل برای سالمندان. امکان بازی تک‌نفره یا رقابت دوستانه، رابط کاربری روشن و بزرگ و سطح دشواری قابل تنظیم، تتریس افکت را برای سالمندان به یکی از بهترین گزینه‌ها تبدیل کرده است.

تتریس افکت با ترکیب سنت و نوآوری، یک تجربه مدرن از بازی معروف تتریس ارائه می‌دهد. همان مکانیزم قدیمی چیدن بلوک‌ها در کنار هم، اما این بار با جلوه‌های بصری حیرت‌انگیز، موسیقی الهام‌بخش و امکان بازی در حالت واقعیت مجازی یا معمولی. این بازی برای پلی‌استیشن، رایانه‌های شخصی و حتی هدست‌های واقعیت مجازی عرضه شده است. تتریس افکت فقط یک پازل ساده نیست؛ بلکه نوعی مدیتیشن و ذهن‌آگاهی است. هر ردیف کامل، هر بلوک چیده شده و هر حرکت



WORDLE

وردل

وردل، پدیده تازه دنیای بازی‌های کلمات، با سادگی و هیجان بی‌نظیرش موجی جهانی به راه انداخت. این بازی که هر روز یک کلمه پنج حرفی جدید برای حدس زدن دارد، تنها چند دقیقه زمان می‌خواهد اما همان چند دقیقه تبدیل به نقطه شروع گفت‌وگو و تعامل در خانواده و جمع دوستان می‌شود. وردل برای سالمندان فرصتی برای یادگیری واژه‌های جدید، سرگرمی روزانه و حتی حفظ پیوندهای اجتماعی است. و حتی حفظ پیوندهای اجتماعی است.

است؛ هر کسی می‌تواند با آراش فکر کند و حدس بزند. بازخورد رنگی (نمایش حروف صحیح با جایگاه درست) باعث می‌شود ذهن به تحلیل منطقی و انتخاب استراتژی بپردازد. این بازی نه تنها حافظه لغوی و دایره واژگان را تقویت می‌کند، بلکه ذهن را برای حل مسئله و استفاده از استدلال آماده نگه می‌دارد.



کوییز آو کینگز: رقابت دانستی‌ها

ولدت آزمودن ذهن

افراد ناشناس به رقابت بپردازد. سبک بازی به گونه‌ای است که هر بازیکن باید در موضوعات مختلف مانند تاریخ، جغرافیا، سینما، ورزش، علم و حتی فرهنگ عامه به پرسش‌ها پاسخ دهد و برای کسب امتیاز بیشتر، هوش و سرعت عمل خود را به رخ بکشد. حالت آنلاین، جدول رده‌بندی و امکان رقابت گروهی باعث شده تا این بازی به یک سرگرمی اجتماعی و حتی خانوادگی تبدیل شود.

در دنیای بازی‌های موبایلی ایرانی، کوییز آو کینگز یکی از موفق‌ترین و محبوب‌ترین گزینه‌ها برای علاقه‌مندان به اطلاعات عمومی و رقابت فکری است. این بازی که میلیون‌ها کاربر ایرانی را به خود جذب کرده، با طراحی ساده، فضای پرا انرژی و سوالات متنوع، هر سن و سلیقه‌ای را به چالش می‌کشد. کوییز آو کینگز یک مسابقه دانستی‌هاست که در آن می‌توانید با دوستان، اعضای خانواده یا حتی



MAHJONG SOLITAIRE

ماهجونگ سولیتیر

دیداری، تمرکز و مهارت‌های استدلالی است. پیدا کردن الگوها میان شلوغی کاشی‌ها، به دقت و صبر نیاز دارد و هر بار حذف موفق یک جفت کاشی، حس موفقیت و آرامش ذهنی می‌آورد. وجود راهنمایی‌های درون بازی و امکان بزرگ‌نمایی، این بازی را برای همه سطوح توانایی مناسب کرده است. بسیاری از سالمندان، ماهجونگ را به عنوان بخشی از روتین روزانه یا عصرگاهی خود انتخاب می‌کنند؛ چراکه هم چالش ذهنی دارد و هم آرامش روانی.

ماهجونگ سولیتیر، بازی سنتی شرق آسیا، در نسخه دیجیتال با میلیون‌ها طرفدار در سراسر جهان، تجربه‌ای منحصر به فرد از حل معما و کشف الگوها ارائه می‌کند. صفحه بازی شامل تعداد زیادی کاشی با طرح‌های زیباست که بازیکن باید دو به دو کاشی‌های مشابه را آزاد و صفحه را پاک کند. این بازی برای موبایل و رایانه با رابط کاربری شفاف و قابل تنظیم در دسترس است. ماهجونگ برای سالمندان صرفاً یک بازی سرگرم‌کننده نیست، تقویت‌کننده حافظه



سامانه شفافیت شهرداری تهران با وعده اعتمادسازی، پس از سال‌ها

با نقص‌های فنی، اطلاعات ناقص و مقاومت در برابر شفافیت مواجه است

دنیای تاریک سامانه شفافیت

● **در بخش شهر سازی، اطلاعات پروانه‌های صادره در باغات خالی است.**

برخی صفحات مثل کمیسیون ماده ۵ اصلاً باز نمی شوند



سیمین برادران

هفت صبح

سامانه شفافیت شهرداری تهران با وعده ایجاد پنجره‌ای رو به اعتماد عمومی راه‌اندازی شد؛ ابزاری برای دیده‌شدن، پاسخ‌گویی و مقابله با فساد. اما از همان ابتدا، نشانه‌هایی بود که نشان می‌داد این شفافیت نه از سر اعتقاد، بلکه بیشتر از سر اجبار و فشار افکار عمومی رقم خورده است. سامانه‌ای که قرار بود چشم شهروندان به درون ساختمان بهشت باشد، حالا سال‌هاست که با صفحات نیمه‌کاره، داده‌های ناقص و اوروهای پیاپی روبه‌روست. در بسیاری از بخش‌ها، اطلاعات یا منتشر نمی‌شود، یا پس از مدتی بی‌بیاهو حذف می‌شود؛ مثل فهرست ساختمان‌های ناایمن که آمد و رفت، بی‌آنکه کسی توضیحی بدهد. شفافیت هست، اما نه آن‌طور که باید.



سامانه شفافیت در آبان ۱۳۹۷ ایجاد شد اما با گذشت زمان، انتقادات از عملکرد آن بالا گرفت. در همان دوره

اصلاح‌طلبان، بهاره آروین و دیگر اعضا مانند مجید فراهانی بارها از نبود شفافیت در تراکنش‌های مالی، ضعف در انتشار داده‌ها و مقاومت درون‌سازمانی گلایه کردند. فراهانی طی تذکری مستقیم به حناچی خواستار اجرای دقیق دستورالعمل اجرایی مدیریت منابع و مصارف غیر نقد و انتشار اطلاعات مربوطه در سامانه شفافیت شد.

در دوره ششم شورا نیز انتقادات ادامه یافت. در دی‌ماه ۱۴۰۱، احمد صادقی، رئیس کمیته شفافیت شورا،

نقد و نظر

شادی با سند رسمی رسید

ادامه ازصفحه ۱۱

در این ساختار پیچیده، قانون چیزی شبیه ققنوس است؛ همیشه هست، ولی کسی دقیقاً نمی‌داند از کجا باید پیدایش کند. مدیر هم رئیس دارد، رئیس هم بالادستی دارد و در این میان، سند مظلوم ما، آرم در گوشه‌ای نشسته و با خود می‌پرسد: «من واقعاً کی قرار اجرا بشم؟»

متأسفانه در کشورمان واژه «شورا» تنها یک ساختار مشورتی نیست، بلکه به یک «فرهنگ حکمرانی» تبدیل شده است. گویی هر مسئله‌ای که گره می‌خورد، راه‌حلش یک شورا یا سندنویسی جدید است. کدام یک از این شوراها گره‌گشا بودند؟ همه این شوراها بیشتر به کارخانه‌های تولید کاغذ و بیانیه بدل شده‌اند. انواع شورا‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی، عالی، معین، مشورتی، نخبگانی و... سال‌هاست که در کشورمان برای مدیریت مسائل مختلف شکل گرفته‌اند. هر

اعلام کرد که از ۷۱ مورد الزام قانونی برای انتشار اطلاعات، تنها ۳۲ مورد در سامانه بارگذاری شده و فقط نیمی از آن‌ها به‌روزرسانی شده‌اند. او همچنین به نقص اطلاعات مدیران، گزارش‌های مالی ناقص و عدم شفافیت درباره سفرهای خارجی کارکنان شهرداری اشاره کرد. ناصر امانی هم در تذکری جداگانه خواستار انتشار اطلاعات مربوط به حقوق و مزایای کارکنان شهرداری شد و تأکید کرد که به‌روزرسانی سامانه می‌تواند از حجمه‌ها علیه شهرداری بکاهد.

در همین زمینه، احمد صادقی بار دیگر و در دی ماه سال گذشته تأکید کرد که بخش‌هایی از سایت با ناقص‌اند یا عملاً دسترسی به آن‌ها محدود شده است؛ از جمله قراردادهای ثبت‌نشده زیرمجموعه‌ها، محدودیت در پرونده‌های باغات، نبود شناسنامه اراضی مشجر و مشخص نبودن امضاکندگان مصوبات کمیسیون ماده ۵. او همچنین به نبود اطلاعات درباره طرح ترافیک خبرنگاران و انتشار ناقص داده‌های سامانه ۱۳۷ اشاره کرد.

● **«شفافیت» برای عموم خوانا نیست**

شهردار تهران در پاسخ به این انتقادات معتقد است که سامانه شفافیت در حال حاضر به‌روز است. او در گفت‌وگو با خبرنگار هفت‌صبح گفت که مصوبات کمیسیون ماده ۵ در همان روز بارگذاری می‌شوند و اطلاعات قراردادهای و امور شهرسازی نیز به‌صورت کامل و به‌دسترس قرار دارند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد حتی اگر داده‌ها بارگذاری شوند، سامانه همچنان برای عموم شهروندان خوانا و قابل فهم نیست.

به‌عنوان نمونه به همین سند ملی موسیقی در شورای فرهنگ عمومی اشاره می‌کنیم. سندی که تصریح دارد مرجع صدور مجوز، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و همان مرجع نیز صلاحیت لغو مجوز را دارد. اما در عمل هر نهاد یا نهادی در شهرستان‌ها به بهانه «ناهماهنگی با شوراها،

می‌تواند کنسرتی را لغو کند. درحالی که شورای فرهنگ عمومی یک نهاد اجرایی نیست. نه‌مجرى کنسرت است، نه برگزارکننده رویداد، نه ناظر قضایی. تنها کارش باید تنظیم سیاست‌ها و خطوط کلی باشد. اما در ایران، نقش‌ها جابه‌جا شده‌اند. شوراها نقش قاضی، مجری و حتی پلیس را بازی می‌کنند و مجریان واقعی قانون به حاشیه می‌روند.

اینجاسته مسئله مهمی رخ می‌دهد. قانون وجود دارد، قضائیه عمل کنند، مشکل اما از جایی شروع می‌شود که همین نهادهای مشورتی در عمل به نهادهای تصمیم‌گیر، سلیقه‌ساز و در نهایت ابزار توقف بدل شده‌اند، بدون آنکه مسئولیت‌پذیر باشند. به‌عنوان نمونه به همین سند ملی موسیقی در شورای فرهنگ عمومی اشاره می‌کنیم. سندی که تصریح دارد مرجع صدور مجوز، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و همان مرجع نیز صلاحیت لغو مجوز را دارد. اما در عمل هر نهاد یا نهادی در شهرستان‌ها به بهانه «ناهماهنگی با شوراها،

میراث فاجعه‌بار نبود شفافیت

محمود میرلوحی

رئیس کمیته اقتصادی شورای شهر تهران (دوره پنجم)

در جوامعی که فساد کمتری دارند، به موضوعاتی مهم چون شفافیت و سلامت اداری اهمیت بیشتری داده می‌شود. در دوره پنجم شورای شهر تهران، قراردادهایی با رقام بالا در شهرداری وجود داشت و ما راه‌حل را در حرکت به‌سوی شفافیت دیدیم. بر این اساس تأکید داشتیم که قراردادهای باید از طریق رقابت و برگزاری مناقصه منعقد شوند و نظارت دقیقی بر آن‌ها اعمال شود. در آن دوره، گام‌های موثری برداشته شد. از همان زمان، همه قراردادهای بودجه سالانه گرفته تا قراردادهای اجرایی در سامانه شفافیت بارگذاری شد. ابتدا قراردادهای کلان و سپس قراردادهای خرد در سامانه قرار گرفتند.

شهرداری تهران سالانه در حدود ۸۰ همت قرارداد منعقد می‌کند. اگر این فرایند به شکل رقابتی و درست انجام شود، می‌تواند تأثیرات مثبتی به همراه داشته باشد. ما در شورای پنجم مصوباتی داشتیم که جنبه ضمانت اجرایی داشتند؛ از جمله آنکه ذیحسابان مناطق و سازمان‌ها نباید هیچ قراردادی را امضا کنند، مگر آنکه در سامانه شفافیت ثبت شده باشد.

مصوبه مهم دیگری که از این مسیر پشتیبانی کرد، ممنوعیت تعارض منافع بود. بر اساس این مصوبه، مدیران شهرداری و اعضای شورا از انجام هرگونه معامله با شهرداری منع شدند و همچنین امکان جذب بستگان مدیران در ساختار شهرداری سلب شد.

امروز نیز باید همه قراردادهای سامانه شفافیت منتشر شوند. به‌عنوان مثال، از ابتدای سال تاکنون باید حدود ۲۰ همت از قراردادهای شهرداری در سامانه قابل مشاهده باشد.

از سوی دیگر، گاهی مشاهده می‌شود که پروژه‌هایی به نهادهای نظامی واگذار می‌شود. چون آن‌ها ماشین‌آلات دارند، هزینه پایین‌تری اعلام می‌کنند، در حالی که اصل ماجرا این نیست و این پروژه‌ها باید به بخش خصوصی واگذار شود. فساد می‌تواند در همه لایه‌های شهرداری و در هر بخشی که با قرارداد سروکار دارد رخ دهد. قراردادهای شهرداری بسیار متنوعند؛ از نگهداری پارک‌ها و جمع‌آوری پسماند گرفته تا ساخت مترو. در این قراردادها، روزانه مبالغ میلیاردی جابه‌جا می‌شود. بنابراین ررافست و پرداخت‌ها، ساخت‌وسازها و کلیه فرآیندهای مالی باید شفاف، قانونی و قابل نظارت باشند.

فساد اداری در کشور یک واقعیت است و هر کسی از آن را انکار کند، در حال کتمان واقعیت است. در شهرداری‌ها، گمرک، وزارت اقتصاد و دارایی و به‌طور کلی در هر نهادی که محل گردش پول و قرارداد است، احتمال بروز فساد وجود دارد. شفافیت یعنی ساختمان شیشه‌ای؛ یعنی همه چیز از هزینه‌ها، درآمد و استخدام‌ها گرفته تا سوابق تحصیلی، حقوق و دستمزد‌ها باید روشن و در دسترس عموم باشد. شهروندان باید بدانند درون شهرداری چه می‌گذرد.

پیش از دوره ما، در حوزه شفافیت، وضع بسیار نامناسبی وجود داشت؛ نمونه‌هایی چون هلدینگ یاس، املاک نجومی و سایر تخلفات مشابه، نمونه‌هایی از فسادهایی بودند که در غیاب شفافیت شکل گرفتند.

موسیقی، شورای هنرهای نمایشی، شورای معماری و شهرسازی، شورای عالی زنان و خانواده، شورای عالی آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای، شورای عالی اطلاع‌رسانی، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، شورای عالی انقلاب اداری، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی قضایی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، شورای فرهنگ عمومی استان‌ها و شهرستان‌ها، شورای نظارت بر صداوسیما، شورای عالی تدوین و تصویب برنامه‌های درسی، شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر، شورای راهبردی روابط خارجی، شورای عالی زکات، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، شورای هماهنگی بسیج رسانه و...

حقیقت این است که با نوعی تکثیر بی‌پایان نهادهای مشورتی، سیاست‌گذار با تصمیم‌ساز مواجه هستیم که عملاً به‌جای حل مسائل، خود به مسئله تبدیل شده‌اند. اما این تکرر، نه‌تنها موجب چاپک‌سازی یا انسجام‌سازی نشده، بلکه به نوعی آشفتگی و سردرگمی دامن زده



دزه‌بین

کدام نقاط شهرداری فسادخیزند؟

رد فساد در شهرداری را گرفتیم

یک مسئول شهرداری: اختلال در سامانه شفافیت به علت انتقال داده‌ها به سامانه جدید «شهرزاد» است

بنا بر اعلام دبیرخانه ستاد ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، تاکنون ۱۱۳ گلوگاه فساد در ساختارهای شهرداری شناسایی شده و برای بررسی تخصصی آن‌ها، هشت کارگروه ویژه تشکیل شده است. این کارگروه‌ها بر حوزه‌هایی از جمله شهرسازی، خدمات شهری، مقررات زدایی، هوشمندسازی، اصلاح نظام اداری، شفافیت و تعارض منافع و انضباط مالی تمرکز دارند. بر اساس این گزارش، هدف اصلی از تشکیل این کارگروه‌ها، صرفاً تهیه گزارش‌های موردی نبوده، بلکه طراحی ساختاری ضدفساد برای مسدودسازی عملی مسیرهای نفوذ فساد در شهرداری تهران است.

یک مقام مسئول بلندپایه در حوزه مبارزه با فساد در شهرداری تهران که نخواست نامش در گزارش آورده شود به خبرنگار هفت صبح گفت: شهرداری تهران از سال ۱۴۰۰ با تشکیل «ستاد ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد» گام‌های موثری در شناسایی گلوگاه‌های فساد و طراحی سازوکارهای پیشگیرانه برداشته است. او تأکید کرد: «شهرداری با توجه به حجم بالای قراردادهای فرآیندهای اداری، نیازمند چارچوبی کارآمد و نظام‌مند برای مقابله با فساد است که به‌صورت مرحله‌ای در حال پیاده‌سازی است. در همین راستا، مجموعه‌ای از اقدامات فرآیندمحور در دستور کار قرار گرفته که از طراحی شاخص‌های ارزیابی سلامت اداری و فسادپذیری آغاز شده است. این شاخص‌ها قرار است مبنای سنجش عملکرد واحدهای مختلف شهرداری قرار گیرند تا فرآیند ارزیابی از حالت سلیقه‌ای خارج شده و به الگوی استاندارد و قابل سنجش تبدیل شود. بر همین اساس هم‌زمان، ۱۴ خدمت کلیدی شهرداری به‌صورت کامل الکترونیکی شده و ۲۲ عنوان مجوز شهری نیز به سامانه ملی مجوزها متصل شده‌اند که گامی مؤثر در جهت کاهش مراجعات حضوری، حذف رانت‌های احتمالی و تسهیل امور شهروندان است.» این مقام مسئول توضیح می‌دهد: «در حوزه نظارت مالی و املاک، توسعه و به‌روزرسانی سامانه‌های هوشمند از دیگر اقدامات شهرداری است. سامانه‌هایی همچون سامانه یکپارچه مالی، سامانه املاک و سامانه کمیسیون ماده ۳۸ با هدف افزایش شفافیت و رصد دقیق تر تراکنش‌ها و تصمیمات اجرایی فعال شده‌اند. همچنین دفاتر خدمات الکترونیک شهر، به عنوان یکی از نقاط کلیدی تعامل مردم با شهرداری، مورد بازبینی قرار گرفته‌اند و لایحه‌ای برای آسیب‌شناسی این دفاتر تدوین شده است. اصلاح آیین‌نامه‌های مرتبط با این دفاتر نیز در دستور کار قرار دارد.» بازتنظیم ساختارهای تصمیم‌ساز شهرداری شامل شوراها، کمیسیون‌ها و کارگروه‌های داخلی، از دیگر اقدامات اعلام‌شده در این حوزه است. هدف از این بازنگری، ارتقای شفافیت، کارآمدی و نظارت‌پذیری بیشتر در تصمیم‌گیری‌های داخلی عنوان شده است. این مقام مسئول در شهرداری تهران با اشاره به پورتال شفافیت شهرداری تهران به نشانی shafat.tehran.ir گفته است که این سامانه به عنوان مرجع عمومی انتشار اطلاعات در حوزه‌های منابع انسانی، معاملات، شهرسازی، مطالعات و قوانین توسعه یافته است. این پورتال نقش مهمی در ارتقای شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات ایفا می‌کند.

او در پاسخ به برخی انتقادات درخصوص محدودیت دسترسی به برخی بخش‌های سامانه شفافیت، توضیح داد که برای مشاهده پروانه‌های صادره در باغات، کاربر ابتدا باید منطقه مورد نظر را انتخاب کند و این‌بخش هم‌اکنون فعال و قابل دسترسی است. همچنین مصوبات کمیسیون ماده ۵ به‌روزرسانی شده است. در خصوص برخی از بخش‌های شهرسازی نیز اعلام شده که به دلیل انتقال داده‌ها به سامانه جدید «شهرزاد»، برخی اختلالات موقت به وجود آمده که گزارش آن توسط کارگروه شفافیت شهرداری به سازمان فناوری اطلاعات (فاوا) ارائه شده و فرآیند رفع مشکل در حال پیگیری است.

جنبالی روز

مجوز نگیرند، جمع‌آوری می‌کنیم!

۵۵۰ ون کافه تهران فاقد مجوز هستند و شهرداری قصد دارد با آنها برخورد کند



یکی از باتوق‌های پر مخاطب و جذاب تهرانی‌ها، به‌ویژه در ساعات پایانی شب حضور در خیابان‌های دغاست. در برخی از معابر شهر، ون کافه‌های رنگارنگ، انواع مختلف غذاها و فست‌فودهای خوشمزه و انواع نوشیدنی‌های سرد و گرم را به مشتریان عرضه می‌کنند. کافی است به این باتوق‌های خوشمزه سر بزیند تماششتی دائمی‌شان شود. اما این طور که مدیر عامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر گفته حدود ۶۰۰ ون کافه در شهر تهران فعالیت می‌کنند که ۵۵۰ تا از آنها فاقد مجوز هستند.

مجتبی اقوامی پناه دربراره فعالیت ون کافه‌ها در شهر تهران گفت: «ساماندهی بسیار مهم است، ولی آن چیزی که اولویت اصلی ماست، بحث مجوزهای قانونی است. اگر این عزیزان مجوزهای قانونی را نداشته باشند، ما مجبوریم برخورد کنیم و آن‌ها را جمع‌آوری کنیم؛ هر چند واقعاً نمی‌خواهیم وارد کارهای سلبی بشویم.» وی با تأکید بر رویکرد ایجابی شهرداری برای حل این موضوع توضیح داد: «ابتدا دنبال کارهای ایجابی هستیم، کمک می‌کنیم و راهنمایی می‌کنیم که این عزیزان برونزد از طریق درگاه ملی مجوزها، مجوزهای قانونی خودشان را دریافت کنند و همچنین مجوزهای بهداشتی‌شان را اخذ کنند. وقتی مردم خرید می‌کنند، باید خاطرشان آسوده باشد. ما هم در شهرداری اینجاسته‌ایم که خیال‌مان جمع باشد که نظارت بهداشت، نظارت اماکن و نظارت اصناف بر این فعالیت‌ها وجود دارد تا مردم خرید مطمئنی داشته باشند.» به گفته اقوامی پناه از ۶۰۰ ون کافه‌ای که در شهر تهران فعالیت می‌کنند، تنها ۵۰ مورد مجوز دارند؛ یعنی ۵۵۰ ون کافه بدون مجوز هستند. البته ما به دنبال برخورد نیستیم، بلکه به دنبال این هستیم که کمک کنیم این عزیزان برونند و مجوزهای خود را بگیرند. در مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران با اشاره به نقش مناطق شهرداری در این فرایند می‌گوید: «از مناطق هم خواسته‌ایم که آن‌هایی که این شرایط را دارند، راهنمایی‌شان کنند تا از طریق درگاه ملی مجوزها اقدام به دریافت مجوز کنند. در رابطه با محل استقرارشان هم بحث داریم. این‌طور نیست که در هر جایی بتوانند حضور داشته باشند، باید در جاهایی باشند که منطقه معرفی می‌کند تا مشکلاتی برای مردم ایجاد نشود.»

ترس همانند آزادی، واقعی است

در سایه فشارهای امنیتی و اجتماعی، هزاران جوان کشمیری در حال پاک کردن خالکوبی‌هایی هستند که زمانی نشانی از مقاومت سیاسی یا هویت فردی شان بود



شد. فهیم می‌گوید: «هر بار نماز می‌خواندم، چشمم به این خالکوبی می‌افتاد و آرام می‌داد. از یک سو خالکوبی در اسلام حرام است و این زخم مایه عذاب وجدانم می‌شد و از سوی دیگر هم با دیدن این آیه یاد ضعف خود در بندگی می‌افاندم و از خدا خجالت می‌کشیدم. حالا که حذفش کرده‌ام، احساس آرامش و تطهیر دارم.» از سوی دیگر، در منطقه‌ای که شغل دولتی همچنان آرزویی باثبات و قابل احترام است، داشتن خالکوبی، به‌ویژه با مضمون دینی، می‌تواند مانعی جدی برای استخدام باشد و به همین دلیل این دسته از افراد هک در صف پاک کردن خالکوبی‌های‌شان ایستاده‌اند.

❖ **پاک کردن گذشته، نه از روی شرم، بلکه برای رشد**

مرکز لیزر در کشمیر این روزها حسابی شلوغ‌اند. نوبت‌ها هفته‌هاطول می‌کشد. درداد، گران است و حتی گاهی به‌طور کامل هم پاک‌نمی‌شود و جای زخم باقی می‌ماند. اما برای بسیاری، این زخم تازه، بهتر از زخمی‌ست که ممکن است آینده‌شان را به خطر اندازد. «مبشر بشیر»، تاتوآر تیست سرشناس در سرینگر، می‌گوید از سال ۲۰۱۹، زمانی که وضعیت نیمه‌خودمختار کشمیر لغو شد. تاکنون هزاران نفر برای پاک کردن خالکوبی‌های سیاسی مراجعه کرده‌اند. از جمله طرح‌هایی بس‌الهام از خواننده مشهور «سیدو موسه‌والا» که در سال ۲۰۲۲ کشته شد و خالکوبی‌های تفنگ کلاشینکف را مد کرد. سمیر، در آخرین جلسه لیزر خود، به جای خالی واژه «آزادی» روی پوستش نگاه می‌کند و می‌گوید: «فوتی خالکوبی کردم، گریه نکردم. ولی وقتی پاکش کردم، اشک ریختم. نه از شرم؛ از حس ترس و وداع با بخشی از خودم.» برای نسلی که با اعتراض و هویت درهم تنیده بزرگ شد، حذف این نقش‌ها نه انکار گذشته است، نه تسلیم. بلکه تلاشی است برای انتخاب زندگی نو؛ بدون سایه‌های دیروز و باامیدی به فردایی آرام‌تر.

تغییر کرده و خطرناک شده است. این اتفاقات روی زندگی ما سایه انداخته و ما را وادار به تغییر و سانسور خودمان کرده است.» «اسلان»، ۱۹ ساله از پلوامه که تصویری از یک مسلسل کلاشینکف را که نماد مقاومت مسلحانه است، روی دست خود خالکوبی کرده نیز به همین دلیل وقت لیزر گرفته اما از گفتن نام خانواده‌گی‌اش پرهیز دارد: «بسیاری از ما که خالکوبی‌های سیاسی داریم، از پرورده‌دار شدن، بازجویی، یا حتی چیزی بدتر از آن می‌ترسیم.»

❖ **از نماد اعتراض تا مانعی برای آینده**

خالکوبی در کشمیر هنوز رایج است اما مضامین آن تغییر کرده‌اند. به‌جای شعارهای سیاسی و نمادهای مذهبی، حالا جوانان سراسر طرح‌های مینیمال، طبیعت، یا جملات الهام‌بخش می‌روند. برای برخی، حذف خالکوبی بخشی از بلوغ شخصی است. «عرفان یعقوب» که در نوجوانی نام یک شورش‌ی کشته‌شده را روی بازویش حک کرده بود، حالا می‌گوید: «آن زمان او برایم نماد شجاعت بود، اما الان مانعی برای صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است. دیگر نمی‌خواهم گذشته من یا گذشته فرد دیگری، حال یا آینده‌ام را رقم بزند و تعیین کند.»

در عین حال، فشارهای خانوادگی، اعتقادات مذهبی و موانع شغلی هم دلایل پررنگی برای پاک کردن خالکوبی‌ها هستند. «انس میر»، ۲۵ ساله می‌گوید خالکوبی شمشیر و واژه «آزادی» را به‌درخواست خانواده‌اش پاک کرده است. انس می‌گوید: «هیچ کس حق ندارد ما را بابت خالکوبی قضاوت کند. اما متأسفانه اینجا اوضاع فرق دارد.»

❖ **دین و احساس خجالت در برابر خدا**

برای برخی، اعتقادات دینی، وجه تعیین‌کننده شخصیت‌شان است. «فهیم» ۲۴ ساله، آیه‌ای از قرآن را که مبین وظیفه بندگی انسان در برابر خدا بود، در ۱۷ سالگی روی بدنش خالکوبی کرده بود اما بعدها از این کار پشیمان و دچار عذاب وجدان می‌شده.

❖ **محبوب‌ترین مشاغل جانبی**

طیف مشاغل جانبی بسیار گسترده است اما مشاغل آنلاین در میان پردرآمدترین‌ها قرار دارند، از طراحی وب‌سایت و ویرایش ویدئو گرفته تا دراپ‌شیپینگ (فروش آنلاین بدون انبارداری) و ضبط صدا برای تبلیغات یا پادکست و کتاب‌های صوتی. رانندگی برای اپلیکیشن‌های اشتراک سفر مثل اوبر، تحویل کالا و تدریس خصوصی هم رایج‌اند. طبق گزارش «بنکریت»، ۷۱ درصد شاغلان جانبی و ۸۰ درصد از شاغلان نسل زد، ماهیانه ۵۰۰ دلار یا کمتر درآمد دارند؛ ۱۹ درصد بین ۵۰۱ تا ۲ هزار دلار و ۹ درصد بیش از ۲ هزار دلار. توصیه کارشناسان این است که افراد از مهارت‌های موجود خود برای

در اتاقی ساکت در یکی از کلینیک‌های لیزر شهر سرینگر، پایتخت منطقه کشمیر تحت کنترل هند، «سمیر وانی» با ناگهی خیره به بازویش نشست؛ جایی که واژه «آزادی» به زبان فارسی روی دستش نقش بسته است، در زیر تابش لیزر، آرام آرام محو می‌شود. این واژه که زمانی نماد پررنگی از اعتراض به حاکمیت هند بود، حالا برای او باری است ناخواسته. سمیر ۲۸ ساله، می‌گوید لحظه‌ای که ناموران امنیتی او را در یک ایست بازرسی متوقف و به خالکوبی‌اش اشاره کر دند، فهیمد که این نشانه می‌تواند برایش در دسر ساز باشد. خوش شانس بود که مأمور نتوانست نوشته را بخواند. اما همان لحظه تصمیم گرفت که واژه «آزادی»، این نشانه خطرناک را از تن و زندگی‌اش پاک کند. او تنها نیست. به گزارش الجزیره، در سال‌های اخیر، هزاران جوان کشمیری خالکوبی‌هایی را که روزگاری با افتخار بر تن داشتند و هر کدام نشانی از هویت، افکار و آرزوهای‌شان داشت، در ترس و سکوت از بین می‌برند؛ چه واژه‌ای سیاسی چون «آزادی»، چه تصویری از یک اسلحه، چه نامی از یک رهبر جدایی‌طلب.

❖ **زخم ترس بر پوست**

پس از حمله مرگبار ماه گذشته در پهلگام که به کشته‌شدن ۲۶ نفر انجامید و تنش بین هند و پاکستان را تا آستانه جنگی دیگر پیش برد، فضا در کشمیر بیش از پیش امنیتی شد. خانه‌ها و تفتیش، مظنونان بازداشت و بیش از ۱۵۰۰ نفر طبق قوانین بازداشت پیشگیرانه، دستگیر شدند. در چنین شرایطی، بسیاری از جوانان احساس می‌کنند که حتی بدن‌شان هم زیر ذره‌بین است و نقش یک زخم‌روی پوست دست، سینه یا پای‌شان می‌تواند به قیمت جان‌شان تمام شود. «رنیس وانی»، ۲۶ ساله، با اشاره به خالکوبی نام «سید علی گیلانی» رهبر فقید گروه حریت، می‌گوید: «بعد از حمله پهلگام، نگاه‌ها در ایست‌بازرسی‌ها به شدت

ینگه دنیا

درآمد دوم آمریکایی‌ها برای بقا

بیش از ۴۴ درصد آمریکایی‌ها به مشاغل جانبی برای تأمین زندگی و مقابله با ناپایداری اقتصادی وابسته‌اند



رامتین لطفی

دبیر سرویس بین‌الملل

در آمریکا، دیگر نمی‌توان مشاغل جانبی را فقط منبعی برای درآمد اضافی دانست؛ برای میلیون‌ها نفر، این مشاغل به ستون فقرات ثبات مالی تبدیل شده‌اند. گزارش مؤسسه «پی‌منتس اینتلیجنس» نشان می‌دهد که بیش از ۴۱ درصد از آمریکایی‌ها از مشاغل جانبی درآمد مکمل دارند. این رقم برای اقشار اقتصادی ضعیف‌تر و کسانی که به‌سختی از پس هزینه‌های ماهانه خود برمی‌آیند، به ۵۰ درصد می‌رسد. گزارش دیگری از «لندینگ‌تری» نیز تأیید می‌کند که ۴۴ درصد آمریکایی‌ها مشغول یک شغل جانبی‌اند و اکثر آنها برای پوشش هزینه‌های زندگی به این درآمد وابسته‌اند. این موج، نشان از تغییرات عمیق در تعریف امروزی «کار» دارد.

❖ **چرا مشاغل جانبی؟**

نیاز مالی همچنان محرک اصلی ورود به این عرصه است. از میان شاغلان جانبی، ۲۲ درصد برای تأمین هزینه‌های ضروری وارد این حوزه شده‌اند و این عدد برای افرادی که در پرداخت قیوض با مشکل مواجه‌اند، به ۳۴ درصد می‌رسد. انگیزه‌های دیگری مانند پس‌انداز برای شرایط اضطراری، پرداخت بدهی، کسب مهارت جدید یا حتی دنبال کردن علاقه‌های شخصی نیز در میان دلایل رایج دیده می‌شود. داده‌های «پی‌منتس» نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، ۴۳ درصد از کل درآمد شاغلان جانبی از همین مشاغل به‌دست می‌آید. این نسبت برای کسانی که درآمد سالانه‌ای کمتر از ۵۰ هزار دلار دارند، به ۷۶ درصد می‌رسد. نسل زد (زیر ۲۸ سال) با ۵۷ درصد وابستگی، بیش از هر گروه دیگری به این درآمد‌ها تکیه دارد. طبق گزارش «بنکریت»، ۳۲ درصد از شاغلان جانبی معتقدند



چهار روز

کریس ایوانز، ستاره دنیای سینمایی مارول (MCU)، با حضور در ۱۳ اثر، از اولین نقشش به‌عنوان مشعل انسانی در «چهار شگفت‌انگیز» (۲۰۰۵) تا آخرین حضورش در «ددپول و ولورین» (۲۰۲۴)، پرکارترین قهرمان مارول لقب گرفته است. ایوانز با ایفای نقش کاپیتان آمریکا در سه‌گانه اختصاصی و دیگر آثار دنیای سینمایی مارول، به نمادی از شجاعت و محبوبیت تبدیل شد. فیلم‌های مارول با داستان‌گویی پویا و شخصیت‌های ماندگار، به‌ویژه برای مخاطبان جوان، گیشه را تسخیر کرده و به پویایی سینما کمک کرده‌اند. هر چند ایوانز پس از «انتقام‌جویان: پایان بازی» (۲۰۱۹) با استیو راجرز خداحافظی کرد اما شایعه بازگشت او در نقش‌های تازه و آثار جدید این استودیو، می‌تواند او را به ثبت رکوردی دست‌نیافتنی برساند.

عکس روز

تحلیف پاپ

در سپیده‌دم واتیکان

لئوی چهاردهم در مراسمی باشکوه‌در

میدان سنت پیترو، رهبری ۱.۴ میلیارد کاتولیک را آغاز کرد

روز یکشنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ (۱۸ مه ۲۰۲۵)، میدان سنت پیترو واتیکان میزبان مراسم تحلیف پاپ لئو چهاردهم، نخستین پاپ آمریکایی تاریخ بود. اربرت فرانسیس پریووست، ۶۹ ساله و زاده شیکاگو که ۸ مه به‌عنوان دویست و شصت و هفتمین پاپ برگزیده شد، در آیینی سرشار از نمادهای کاتولیک و با حضور ۲۰۰ هزار زائر، به‌طور رسمی سکان کلیسای کاتولیک را به دست گرفت. این رویداد، با حضور رهبرانی چون جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین و دینا بولواتر، رئیس‌جمهور پرو، نقطه عطفی در تاریخ کلیسا بود.

مراسم با سواری پاپ لئو در پاپ‌موبیل سفیدرنگ آغاز شد. او در میان شور جمعیت و فریادهای «ویوا ایل پاپا» (زنده‌باد پاپ)، با لبخند به زائران دست تکان داد و در دو توقف کوتاه، سه نوزاد را برکت داد. سپس، در باسیلیکای سنت پیترو، به زیارت آرامگاه سنت پیترو، نخستین پاپ، رفت و در لحظه‌ای معنوی به دعا پرداخت. این آیین، با همراهی پدران کلیساهای شرقی کاتولیک، پیوند عمیق پاپ جدید با سنت‌های کلیسا را نشان داد.

در میدان سنت پیترو، زیر سایبان برنزی ۴۰۰ ساله، مراسم با شکوه ادامه یافت. پاپ لئو دو نماد پایی را دریافت کرد: پالم، شال پشمی سفید با صلیب‌های سیاه که نماد نقش چوپانی پاپ و انگشتر ماهیگیر، حلقه‌ای طلایی با نقش سنت پیترو در حال صید که نماد اقتدار رهبر کاتولیک‌های جهان است.

این اقدام توسط کاردنال‌های ارشد، دومینیک مامبرتو و لوئیس آنتونیو تاگله، به او اهدا شد. در آیین اطاعت، ۱۲ نماینده از اقفشار کلیسا، از جمله یک زوج متأهل، به پاپ ادای احترام کردند و وفاداری



زلنسکی در شبکه ایکس، پاپ را «نماد امید به صلح» خواند و از حمایت واتیکان برای پایان جنگ سه‌ساله قدردانی کرد. امنیت مراسم با حضور تک‌تیراندازها واحدهای ضدپهپاد در سراسر رم تضمین شد. پاپ لئو که دوتابعیتی آمریکا و پرو است، با همراهی دو کشیش از دوران خدمت خود در چیکلایو پرو، ریشه‌های چندفرهنگی‌اش را به نمایش گذاشت. او در پایان، با یادآوری پاپ فرانسیس، از حضور معنوی سلف خود سخن گفت و برای رنج‌دیدگان جنگ‌ها دعا کرد.

این مراسم که جایگزین تاج‌گذاری سنتی شده، با آیین‌های کهن و پیام‌های امروزی، نه‌تنها آغاز رهبری پاپ لئو چهاردهم را رقم زد، بلکه تعهد او به صلح، عدالت اجتماعی و وحدت کلیسا را به جهانیان نشان داد. پاپ لئو که پیش‌تر به دلیل انتقاد از سیاست‌های مهاجرتی دولت ترامپ شناخته شده بود، اکنون با چالش هدایت کلیسایی روبه‌روست که همچنان با رسوایی‌های گذشته و نیاز به سازگاری با جهان مدرن دست‌وپنجه نرم می‌کند.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



لینکلینتر خطاب به ترامپ: «سینما زنده می‌ماند!»

ریچارد لینکلینتر، کارگردان برجسته آمریکایی، در کنفرانس مطبوعاتی فیلم «موج نو» در جشنواره کن ۲۰۲۵، با طنزی گزنده به تهدید تعرفه‌های دونالد ترامپ بر فیلم‌های غیر آمریکایی واکنش نشان داد: «خبر این است که این مرد (دونالد ترامپ) روزی ۵۰ بار حرف و نظرش را عوض می‌کند! تعرفه‌ها؟ بعید است عملی شوند.» «موج نو» که درباره پشت صحنه فیلم «از نفس افتاده» ژان‌لوک گدار است، در فرانسه ساخته شده و بازی گیوم مرَب (گدار) و زویی دوِیج (جین سبیرگ) برای نخل طلای کن رقابت می‌کند. این فیلم شنبه شب و پس از اکران، بیش از ۱۱ دقیقه تشویق شد. لینکلینتر با خوش‌بینی به آینده سینما گفت: «هزینه فیلم‌های مستقل ۶۰ سال است ثابت مانده. سینمای مستقل همیشه تحت فشار بوده اما عشق به داستان‌گویی ابدی است.» او فرانسه را برای حمایت از صنعت سینما ستود: «از تولید تا بخش، برای همه چیز ارزش قائل‌اند.» او افزود: «تهدیدهای جدید مثل تعرفه‌های پیشنهادی نمی‌توانند جلوی فیلمسازی را بگیرند. ما با شرایط سازگار می‌شویم و داستان‌های مان را روایت می‌کنیم. سینما زنده می‌ماند.» فیلم تحسین‌شده «موج نو» به یکی از مدعیان اصلی کن ۲۰۲۵ تبدیل شده است.



لینکلینتر

پایان یک همکاری ۲۵ ساله با بی‌بی‌سی

اخراج لینه‌کر به دلیل حمایت از غزه

بی‌بی‌سی روز دوشنبه رسماً اعلام کرد که گری لینه‌کر، چهره شاخص پوشش فوتبال این شبکه طی چند دهه اخیر، به‌طور زود هنگام از این مجموعه جدا خواهد شد. این تصمیم پس از جنجالی پیرامون یکی از پست‌های او در شبکه‌های اجتماعی که توهین آمیز تلقی شد، گرفته شد. طبق اعلام بی‌بی‌سی، لینه‌کر دیگر مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ با بازی‌های جام حذفی انگلیس در فصل آینده را پوشش نخواهد داد و آخرین حضور او در برنامه «Match of the Day» روز یکشنبه آینده خواهد بود؛ پایانی برای همکاری‌ای که بیش از ۲۵ سال طول کشید.

منشور جنجالی و پیامدهای آن
بی‌بی‌سی اعلام کرد تصمیم به جدایی، پس از باز نشر

اجتماعی شد.

همچنین لینه‌کر در مصاحبه‌ای با «تلگراف» عملکرد مدیر جدید بخش ورزش بی‌بی‌سی را زیر سؤال برد و گفته بود او تجربه کافی ندارد.او همچنین خواستار حفظ ساختار برنامه Match of the Day شده بود. این اظهارات، تنش‌ها را تشدید کرد. در فوریه گذشته نیز لینه‌کر در بیانیه‌ای همراه با ۵۰۰ چهره فرهنگی از بی‌بی‌سی خواست تا مستندی با موضوع «غزه» را که حذف کرده بود، بازنشر کند. او در مصاحبه‌ای با رادیو BBC گفت که در مذاکرات اخیرش حس کرده بی‌بی‌سی دیگر خواهان ادامه همکاری با او نیست.

واکنش‌ها و تأثیر رسانه‌ای

الکس کای-گیلسکی، مدیر بخش ورزش بی‌بی‌سی، در نامه‌ای به کارکنان نوشت: «وداع با چهره‌ای درخشان مانند گری تأسف‌بار است، ولی چاره‌ای نیست. بیایید فصل را با قدرت به پایان برسانیم و بسه آینده امیدوار

باشیم». در فضای مجازی نیز جدل گسترده‌ای به راه افتاد. عده‌ای او را صدایی مستقل و آزاد توصیف کردند و برخی دیگر رفتن او را برای حفظ بی‌طرفی بی‌بی‌سی ضروری دانستند.

آینده لینه‌کر پس از بی‌بی‌سی

با وجود خروجش از بی‌بی‌سی، لینه‌کر از صحنه رسانه‌ای حذف نمی‌شود. او مالک بخشی از یک شرکت تولید پادکست است که برنامه‌هایی محبوبی را تولید می‌کند. احتمال حضور او در رسانه‌ای رقیب، حتی در جام جهانی ۲۰۲۶، وجود دارد. گری لینه‌کر در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ با تیم‌های لیسترسیتی، اورتون، بارسلونا و تاتنهام بازی کرد و تا سال ۱۹۹۲ عضو تیم ملی انگلیس بود و در جام جهانی ۱۹۸۶ در خشان ظاهر شد. گری لینه‌کر یکی از مهم‌ترین ستاره‌های فوتبال انگلیس و جهان در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ است. او از پرمدترین چهره‌های بی‌بی‌سی در سال‌های اخیر بوده است.



عکاس: محمدامین انصاری

این چه کاری بود آخر ابو طاه‌ها؟

شلیک طالب ریکانی به قلب آبودانی‌ها

اضطراب و دلهره در لاجپق‌های پارک شاپور آبادان

نوشتن این مطلب را در اوج ناامیدی بعد از شکست ناباورانه صنعت‌نفت مقابل شهرراز شیراز شروع کردم. دیداری که البته به نظرم با ناداوری یا نبود وار یا اشتباه سهوی داور و هر چیزی که اسم آن را بگذارید، می‌توانستیم برنده شویم و با استرس و دلهره به پیشسواز بازی حساس با پیکان سیروس دین‌محمدی نرویم. القصد.. بعد با پیروزی شیرین و دلچسب مقابل همین پیکانی ادامه دادم که کلی استرس برای تقابل با آن داشتم؛ آخر پیکان عنوان بهترین خط حمله لیگ یک را یدک می‌کشد؛ با ۴۳ گل زده. البته که ما هم با ۱۵ گل خورده بهترین خط دفاع لیگ آزادگان هستیم. حال‌رویی ابرها بودم... یک قدم تا لیگ‌برتر با پیروزی مقابل آریو.

اینها را بی‌خیال...!

پیش خودم گفتم ما آبادانی‌ها به امید زنده‌ایم. ایسن را در چند سال جنگ و سسختی در آبادان از پدران‌مان به ارث برده‌ایم که همیشه می‌گفتند «خدا» کریم است». چرا راه دور برویم؛ نمونه متاخر آن دو فصل پیش در آخرین بازی مقابل گل‌گهر سیرجان را به یاد بیاریسم؛ در روز پایانی لیگ بیست‌ودوم برزیلی‌ها موفق شدند در سیرجان جشن بقا بگیرند.

کلین‌شیت‌های کوروش ملکی

امیدمان در دروازه به کلین‌شیت ملکی دروازه‌بان باتجربه فوتبال صنعت بود که طی سال‌های گذشته در رقابت‌های لیگ دسته‌اول توانست عملکرد خوبی از خود به‌جا بگذارد، امسال هم در ترکیب صنعت‌نفت آبادان در خشش خوبی داشت و یک رکورد ویژه را ثبت کرد. این دروازه‌بان ۳۳ ساله در ۳۴ بازی اخیر نفت‌آبادان در ترکیب تیمش به میدان رفت و در ۲۳ بازی موفق به حفظ دروازه خود شد.

زیر جد فانتزی‌باز

مرتضی کللی
هفت صبح

آبادان یک رنگ‌ترین شهر دنیا ست؛ «نه قرمز، نه آبی، فقط زرد طلایی» فقط یک شعار نیست. در بازی صنعت‌نفت با سرخابی‌ها در آبادان یک تماشاگر استقلالی یا پر سپولیسی در جایگاه مهمان نخواهید دید.

امیدمان در خط دفاعی صنعت‌نفت به مجتبی لطفی و فرشاد محمدی مهر بود. فرشادی که گل حساسی در مقابل پیکان زد. امید ما در خط هافبک به طالب ریکانی و مهران امیری ۲ بازیکن تکنیکی، قدرتی و خلاق بود. به شوت‌های پای چپ و مهلک طالب که مثل آری‌جی شلیک می‌شوند. طالب حتی کلمه «RFP» را هم روی پشای چپش توتو کرده. امیدمان به حسین شنایی و خشایار زیرجد ۲ وینگر سرعتی و تکنیکی و فانتزی‌باز صنعت‌نفت در کنار مرتضی خراسانی برای گلزنی بود.(چه تعریفی کردم از آنها؛ بی‌چاره طالب)

صنعت هفته پیش با مهم‌ترین پیروزی فصل خود در مقابل پیکان حریف مستقیمش برای صعود به لیگ‌برتر، در ورزشگاه تختی آبادان از سد تیم خوب سیروس دین‌محمدی گذشت و با توجه به پیروزی در بازی رودرو از شانس بالایی برای صعود برخوردار بود اما نتوانست از این فرصت خوب استفاده کند و در مقابل آریو نشانی از جگندگی و موقعیت گل برای صعود ندیدیم. حالا باید از کادر فنی پرسید وقتی تیم مدعی فجر را رفت و برگشت و همچنین باقی مدعیان صعود را می‌بریم، علت شکست و هسابقه از تیم‌های ته جدولی چیست که حالا باید حسرت تک امتیازها را بخوریم! و از صعود باز بنامیم تا غیبت‌مان در لیگ‌برتر دوساله شود. برزیلی‌ها از اولین دوره لیگ‌برتر که غایب بودند و از همان سال ۸۱ که صعود کردند، شرایط متزلزل‌را تجربه می‌کنند و چندین بار بین لیگ‌برتر و لیگ یک دو فصل آمد بودند. در مجموع ۲۴ فصل لیگ‌برتر، آبادانی‌ها ۱۲ فصل در لیگ‌برتر حضور داشته‌اند و ۱۱ فصل در لیگ یک بازی کرده‌اند.

دربغ از یک موقعیت گلزنی

بازگشت غریبانه

طالب که می‌توانست با گل کردن پناالتی مقابل پیکان حکم صعود صنعت‌نفت به لیگ‌برتر را امضا و قلب برزیلی‌های متعصب را تسخیر کند، با خراب کردن پناالتی باجووار (پناالتی روی تو باجو در مقابل برزیل در فینال جام جهانی ۱۹۹۴) رویاهای هزاران آبادانی را برسد داد و خودش از شدت ناراحتی در رختکن خودزنی می‌کنند و به دلیل جراحات شدید با آمبولاس به بیمارستان منتقل می‌شود. طالب پس از انتقال به بیمارستان و پانسمان دستش، شبانه تصمیم به ترک تهران گرفت و غریبانه به آبادان برگشت. طالب طی سالیان اخیر فقط یکبار در هفته هفدهم فصل ۱۰-۱۴ پناالتی از دست داده بود که ضربه او مقابل آلومینیوم اراک را حسین پورحمیدی مهار کرد ولی پس از آن همه پناالتی‌هایش را گل کرده بود تا اینکه یکشنبه شب مقابل آریو اسلامشهر ضربه‌اش به تیر دروازه اصابت کرد و به بیرون رفت. آخر این چه کاری بود طالب جان! با این تجربه بالا، زدن پناالتی به این شکل و بدتر از آن خودزنی‌ا از تو انتظار نداشتیم...

سر نوشت شوم طالب و آن خطای مرگبار

طالب بازیکن محبوب و وفادار آبادانی‌ها پیش از این هم یک بار در بزنگاه‌ها جای اینکه از تجربه خود استفاده کند و به یاری تیم بیاید و قوت قلب طرفداران صنعت‌نفت باشد، در هفته بیست و نهم لیگ‌برتر در آبادان و بازی مقابل آخر، میزبان تیم ذوب‌آهن بودیم و به شدت به ۳ امتیاز بازی نیاز داشتیم. در ثانیه‌های ابتدای این بازی، اشکان خورشیدی داور مسابقه برای صنعت یک ضربه پناالتی اعلام کرد و طالب ریکانی در دقیقه ۳ نفت را پیش انداخت. ریکانی اما در دقیقه ۱۰ با انجام یک خطای خطرناک و حرکت شبه رزمی آن هم نه در یک موقعیت حساس روی بازیکن ذوب‌آهن، با دریافت کارت قرمز از زمین اخراج شد. به این ترتیب صنعت‌نفت که برای یک بازی ۳ امتیاز بازی با ذوب‌آهن و دیدار حساس هفته بعد مقابل گل‌گهر حساب کرده بود، ریکانی را از دست داد. با ۱۰ انفره شدن صنعت، ذوب‌آهن از فرصت اخراج ریکانی در همان نیمه اول استفاده کرد و در دقیقه ۲۷ گل تساوی را به ثمر رساند و بازی به دیدار مرگ و زندگی گل‌گهر رسید که صنعت با برد در این دیدار در لیگ ماند و اشتباه مرگبار ریکانی به فراموشی سپرد شد.

زیر فوتبال در دل خوشگدگاری



تصویری ناب از مهد فوتبال ایران

چه تصویر دلگرم‌کننده‌ای! استرس را در چهره این دختر خردسال می‌بینید که تحت تأثیر بازی و شرایط صعود صنعت به لیگ‌برتر قرار گرفته. آخر این کودک از تفاضل گل و بازی رودرو چه می‌فهمد؟ لاید بزرگ تر هایش را دیده‌که چه خون دلی می‌خورد تا صنعت‌نفت پیروز میدان دیدار با پیکان باشد؛ او هم این شکلی با استرس بازی را نگاه می‌کند. اینکه هواداران خردسال با عشق به تیم صنعت‌نفت آبادان بزرگ می‌شوند، نشانه ریشه‌دار بودن این تیم در فرهنگ و هویت آبادانی‌هاست. کسی حالا از حال روز این دخترک و پدرش بعد از عدم صعود صنعت به لیگ‌برتر خبر دارد؟ باید آبادانی باشید تا بفهمید چه می‌گویم.

عکس را از صفحه هواداران صنعت‌نفت به امانت برداشتم. ببینید خودش گویاست...



مجازات برای خشونت دیوانه‌وار ضرب و شتم داور در رینگ بوکس

داور بوکس در مسابقه خروس وزن در جمهوری دومینیکن مورد حمله خشونت آمیز قرار گرفت و از رینگ اخراج شد. سانتو دومینگو، پایتخت دومینیکن، بار دیگر به دلیل حادثه‌ای خشونت‌آمیز در رینگ بوکس خبرساز شد. سال گذشته نیز در همین منطقه، یک داور مورد ضرب و

شتم قرار گرفته بود. در یک اتفاق دیوانه‌وار که به سختی می‌توان باور کرد، یک داور در مسابقه‌ای بین نوربو تو خیمنز و مارسلینو نیوس در خروس وزن، مورد حمله قرار گرفت. یکی از اعضای تیم مصبان به داخل رینگ هجوم آورد و با یک مشت به داور حمله کرد. داور در حالی که لرزان

حاشیه

از استقلال و تیم امید تا فوتبال زنان اروپا

ماجراجویی یک ایرانی در کالجوی ایتالیا

یک مربی جوان ایرانی توانسته به‌عنوان آنالیزور در بالاترین سطح فوتبال کشور ایتالیا حضور پیدا کند اما در بخش فوتبال زنان

ایلیا بهزادول -نویسنده | در سال‌های اخیر، شاهد حضور بازیکنان ایرانی در کشورهای مختلف خارجی بوده‌ایم اما شاید یکی از نقاط ضعف فوتبال، نداشتن مربی در سطوح بالای فوتبال اروپا باشد. با وجود عدم حضور مربیان ایرانی در بالاترین سطح فوتبال اروپا، افرادی هستند که با تحصیل آکادمیک فوتبال و مربیگری در خارج از کشور و کار در رده‌های مختلف، موفق به حضور در لیگ‌های معتبر فوتبال دنیا شده‌اند. صادق غفرانی، آنالیزور ایرانی باشگاه کومو ایتالیا در لیگ سری A؛ زنان یکی از معدود مربیان ایرانی حاضر در کشورهای مطرح اروپایی است که توانسته در سطح اول فوتبال زنان اروپا، حضور داشته باشد. او در گفت‌وگو با ما، راجع به دوران حرفه‌ای خود و چالش‌های حضور یک مربی ایرانی در فوتبال اروپا و رشد فوتبال زنان در کشور ایتالیا صحبت کرده است.

«خودتان را معرفی کنید

صادق غفرانی روضی، ۲۲ ساله متولد مشهد هستم. شروع فعالیت من به عنوان آنالیزور، با اولین دوره حضور تیم پدیده مشهد در لیگ برتر همراه بود. بعد به استقلال تهران پیوستم همراه با آقای علی منصوریان در کادر فنی این تیم حضور داشتم. پس از یک فصل حضور در استقلال، بار دیگر با آقای مهاجری در پدیده کار کردم و مدتی در تیم NK Krsko اسلونی بودم.

« با توجه به اینکه هم در ایران و هم در اروپا دوره‌های مربیگری و آنالیز را پشت سر گذاشتید، آیا تفاوت سطح کیفی دوره‌ها مشهود است؟ چه چیزهایی باعث می‌شود که آموزش‌ها در کشورهای اروپایی جلوتر از کشورهایی مثل ایران باشد؟

در ایران که اصلا دوره تخصصی آنالیز زیر نظر فدراسیون فوتبال ایران برگزار نمی‌شود، همچنین حتی AFC هم در این مورد من ندیدم پوشش خاصی بدهد. لذا اصلا نمی‌شود مقایسه‌ای در مورد دوره آنالیز انجام بدهیم. ولی در مورد دوره‌های مربیگری، بزرگ‌ترین تفاوت، به‌روز نبودن داده‌های آموزشی در دوره‌های مربیگری در ایران است. همچنین فیلترهای لازم برای صدور مدرک مربیگری در ایران صورت نمی‌گیرد. مسئله بعدی در مورد پیگیری و ارزیابی کسی که در دوره شرکت کرده توسط فدراسیون بعد از پایان دوره هست تا اقدام برای شرکت در دوره بعدی، فعالیت‌های شما در آن چار چوبی که مجوز دارید، توسط فدراسیون رصد می‌شود.

« در رسانه‌ها نوشته شده که شاید تعداد افرادی که در یک سال از کلاس‌های مربیگری آلمان و ایتالیا فارغ التحصیل می‌شوند به ۱۰۰ نفر نرسد اما همه آنها به قدری تجربه کسب کردند که بتوانند در بالاترین سطح مربیگری کنند.

دقیقا همینطور است، در هر دوره‌ای که قرار است در اینجا شرکت کنیم، باید فرم‌های چند صفحه‌ای ارزیابی تکمیل شوند و سپس این فرم‌ها توسط کمیته آموزش فدراسیون مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

« در رابطه با دیدگاه به مربیان ایرانی در فوتبال اروپا، پرسش این است که آیا اگر شش ششti نسبت به حضور افراد از کشورهای آسیایی به عنوان مربی در کشورهایی با فوتبال معتبر نظیر ایتالیا وجود دارد؟ همچنین، آیا در دوره‌هایی که شرکت کرده‌اید، مربی ایرانی دیگری نیز وجود داشته است که در سطح بالا فعالیت کرده باشد؟

اگر بخواهم به‌طور صادقانه صحبت کنم، متأسفانه نگرش مثبتی در این زمینه وجود ندارد. حتی کشورهای اروپایی با سطوح بالاتر، مانند اسپانیا، دوره‌های برگزار شده در کشوری نظیر فرانسه را به‌طور کامل به رسمیت نمی‌شناسند. به این صورت که اگر شما دوره‌های آموزشی را در فرانسه گذرانده باشید و به اسپانیا بیایید، برای کسب مجوز کار موظف به گذراندن یکسری کارگاه‌های آموزشی به‌منظور معادل‌سازی مدرک خود خواهید بود. طبیعی است که این اختلاف دید نسبت به فوتبال آسیا به‌مراتب بیشتر است. من دوستان ایرانی دارم که دوره‌های آموزشی را در کشورهای دیگر اروپایی گذرانده‌اند و در حال حاضر مشغول فعالیت هستند.

« توجه به فوتبال زنان در اروپا طی چند سال اخیر بیشتر شده اما ایتالیا، همچنان جزو کشورهای پرافتخار در فوتبال زنان نیست. فوتبال زنان در ایتالیا به طور کلی در چه سطحی است و آیا سرمایه‌گذاری مناسبی برای رشد فوتبال زنان در این کشور انجام شده یا خیر؟

فوتبال زنان در ایتالیا به‌طور حرفه‌ای بسیار نوپاست و امسال سومین سالی است که لیگ سری A به‌صورت حرفه‌ای برگزار می‌شود. این موضوع یکی از دلایل کمتر دیده شدن این لیگ نسبت به کشورهای انگلستان، آلمان و اسپانیا به‌شمار می‌آید. به‌علاوه، با سیاست‌های جدید دولت ایتالیا، زمینه برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی به فوتبال زنان، به‌ویژه از امسال فراهم شده است. در سال آینده، شکل برگزاری مسابقات و حتی لوگوی مسابقات به‌طور کامل تغییر خواهد کرد. با توجه به اینکه تعداد تیم‌های بانوان در دنیا به مراتب کمتر از تیم‌های مردان است، با ورود سری A به شکل حرفه‌ای‌تر، بازیکنان ملی‌پوش و مطرح بیشتری، به‌ویژه از لیگ انگلیس و کشورهای حوزه اسکندیناوی، به سمت تیم‌های ایتالیا جذب شده‌اند. به‌عنوان مثال، حضور اسپانسر چون تیک‌ناک در باشگاه یونوتوس موجب جذب بازیکنانی با وجهه تبلیغاتی بالا مانند الیشا لمان در ایتالیا و لیگ سری A شده است. نکته جالب این است زمانی که با بازیکنانی که سابقه بازی در کشورهای انگلستان و اسپانیا را دارند، گفت‌وگو می‌شود، آنها بر این باورند که هرچند از نظر امکانات باشگاه‌ها هنوز اختلافی با سایر کشورهای پیشرفته وجود دارد اما لیگ سری A در دشوارتر و فوق‌العاده تکنیکی‌تر ارزیابی می‌کنند. با این حال، اختلاف در پرداخت‌ها و امکانات باشگاه‌ها قابل مقایسه با قدرت‌های اصلی فوتبال زنان در اروپا نیست و زمان و حضور سرمایه‌گذاران بزرگ‌تر می‌تواند به بهبود این وضعیت کمک کند. به‌عنوان نمونه، در باشگاه Como Women بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری شده که در فوتبال زنان در دنیا بی‌سابقه است.

« با مرور بر مطالب منتشر شده در صفحات مجازی باشگاه متوجه شدیم که این تیم، یکی از باشگاه‌های پیشرو در زمینه اهمیت دادن به فوتبال زنان و برابری حقوق زنان و مردان در فوتبال اروپاست؛ این فعالیت‌ها تا چه میزان روی بهبود شرایط بازیکنان و تیم‌های فوتبال زنان در ایتالیا اثر گذار بوده است.

یکی از مسائل رایج در فوتبال زنان، اختلاف چشمگیر اعداد پرداختی نسبت به فوتبال مردان است که موجب می‌شود بسیاری از بازیکنان نتوانند به فوتبال به‌عنوان تنها منبع درآمد خود اتکا کنند. به همین دلیل، بسیاری از بازیکنان در طول دوران بازی خود در حال تحصیل در سطوح بالای آکادمی هستند یا مشاغل دومی نظیر حسابداری، تدریس، یا تخصص در تغذیه را دنبال می‌کنند. به‌عنوان مثال، ما بازیکنی در تیم داشتیم که عضو تیم ملی فنلاند بود و همزمان به‌عنوان مربی پروژه در فدراسیون فوتبال سوئد فعالیت می‌کرد. با توجه به اینکه جبران این اختلاف مالی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، باشگاه ما تلاش کرد تا با برگزاری دوره‌های مختلف و شناسایی ظرفیت‌های بازیکنان، آنها را برای فعالیت در دوران پس از ورزش حرفه‌ای خود آماده کند.

به طناب‌های رینگ چسبیده بود، توسط گروهی از اعضای تیم مورد ضرب و شتم قرار گرفت و حتی پس از سقوط از رینگ و فرار، مهاجمان به تعقیب او ادامه و بیرون از رینگ نیز به کتک زدنش ادامه دادند. خوشبختانه داور آسیب جدی ندید. جامعه بوکس این حادثه خشونت‌بار و هولناک را به

شدت محکوم کرد. هنوز مشخص نیست آیا افراد درگیر با اقدامات انضباطی روبه‌رو خواهند شد اما به احتمال زیاد مجازات می‌شوند. اگرچه حوادث دیوانه‌وار در دنیای بوکس به امری عادی تبدیل شده اما سطح خشونت در بسیاری از موارد نگران‌کننده است.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

یک فیلمساز آمریکایی مدعی شد که مالیا اوپاما در فیلم تبلیغاتی اش برای برند نایک از فیلم او کپی کرده است

دختر اوپاما به سرقت ادبی متهم شد



زینب کاظم خواه
دبیر صفحه آخر

مالیا اوپاما، دختر باراک اوپاما، رئیس جمهور سابق آمریکا و میشل اوپاما، با اتهام کپی کردن کار یک فیلمساز مستقل در اولین تبلیغ خود برای نایک روبه‌رو است. ناتالی جاسمین هریس، ۲۷ ساله، در شبکه «ایکس» ادعا کرد که صحنه‌های این تبلیغ، به ویژه صحنه‌ای که دو دختر جوان سیاه‌پوست در حال بازی «پاتا-کیک» هستند، به طرز چشمگیری شبیه فیلم کوتاه اوست که در جشنواره ساندنس ۲۰۲۴ با عنوان «بخشش» نمایش داده شد. خانم هریس با ابراز ناامیدی گفت که با دیدن این تبلیغ که به‌ اعتقاد او بدون ذکر منبع، به شدت از کار او الهام گرفته شده است، «به شدت متاثر شده است».

خانم هریس همچنین در شبکه‌های اجتماعی مقایسه‌هایی را به اشتراک گذاشت و شباهت‌های زاویه دوربین، نماها، قاب‌بندی و پالت رنگ بین فیلم خود و تبلیغ اوپاما برای اولین کفش

ورزشی «ای وان» از ازا ویلسون بسکتبالیست آمریکایی را برجسته کرده است.

او نوشت: «مدتی است که به این موضوع فکر می‌کنم. فیلم کوتاه من در جشنواره ساندنس با نام «بخشش» که به زیبایی توسط تهیلاد کاسترو فیلمبرداری شده بود، با عشق و دقت زیادی ساخته شد. بخش اجتماعی تبلیغ جدید نایک، به کارگردانی مالیا اوپاما (که او هم امسال در جشنواره ساندنس حضور داشت)، بسیار شبیه کار من است.»

او همچنین اضافه کرده است: «می‌دانم که هنر اغلب همپوشانی‌هایی دارد، اما لحظاتی مانند این وقتی که تصام وجودتان را صرف روایت دقیق داستان‌ها کرده‌اید و به سختی آن‌طور که شایسته‌اش هستید، مورد توجه قرار می‌گیرید، بسیار دردناک است. اگر برندها سبک خاصی می‌خواهند، چرا به جای نام‌های بزرگ، خالقان اصلی را

اینترنت به سرعت به‌ ادعاهای خانم هریس پاسخ داد و تعدادی از کاربران شباهت‌های بین فیلم تبلیغاتی مالیا

و فیلم هریس را بسیار قابل توجه دانستند، در حالی که دیگران از مالیا اوپاما دفاع کرده و مطرح کردند که این موضوع تصادفی است یا این‌که این نوع موضوعات منحصر به‌فرد نیستند که فقط یک نفر آن را بسازد.

یکی از کاربران گفت: «من هر دو فیلم را تماشا کردم، هیچ کپی‌ای در کار نیست.» کاربر دیگر نظر داده است: «جدی؟ داری می‌گی دخترهای سیاه‌پوست که پاتا-کیک رو بازی می‌کنن، تو اختراع کردی؟»

هریس به بی‌زینس اینسایدر گفت که این شباهت در صحنه «پاتا‌کیک» بود. بسیاری از مردم در پاسخ به این اتهام به او گفتند که او پاتاکیک را اختراع نکرده است. هریس گفت: «واین کاملاً درست است. اما مسئله بازی نیست. مسئله ابزارهای سینمایی است که برای به تصویر کشیدن آن استفاده شده است.» هریس همچنین گفته است: «در ابتدا، ناامید و ناراضی شدم – نه فقط برای خودم، بلکه برای کل تیم. من این تبلیغ را برای دوستانم فرستادم که همان واکنش من را داشتند. یکی از آنها

یک دقیقه زندگی

فیلی که یادهندوستان کرد



علی مجتهدزاده

هفت صبح

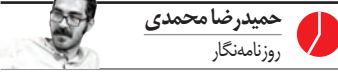
امروز ستاره نیست. اشکالی هم ندارد و من دیگر باید عادت کنم. مگر می‌شود هر روز بچه پیش من باشد؟ اصلاً بهتر. بنشینم کار خودم را بکنم. یک فایل نصف‌کاره باز می‌کنم و تازه گرم شده‌ام که صدایم می‌زند. بر می‌گردم ولی ستاره نبود و کامپیوترش هم نیست و تازه یادم می‌آید که وقتی از این خانه برگشت پیش مادرش کامپیوترش را هم برد.

ماجرایی بود. یک سال با هم بودیم و بعد دوباره فیلش یاد هندوستان کرد و البته شرایط هندوستان هم مساعد شده و فیل دیگری در آن به هم نمی‌رسید و ایشان برگشتند آنجا. چه بهتر. اصلاً بچه پیش مادرش راحت تر است. مگر نه اینکه من جز مرغ سرخ کردن و غذای آماده درست کردن کار دیگری بلد نبودم؟ پس بهتر که اصلاً خیالم هم نباشد و دلم راضی که الان جایش گرم و نرم و راحت است. هست؟ یک زنگ بزئم! می‌گویم سلام بابایی. می‌گویند: «ساکت شین بابامه! ها؟ چه خبر؟ چطوریزی؟ می‌گویم که خونم و همه چیز عالی می‌گویند: «چیزی شده؟» می‌گویم نه و

چهره روز

درباره خلیج فارس پژوهی‌های «احمد اقتداری» که اگر بود، این روزها ۱۰۰ ساله می‌شد

پاسبانِ خلیج فارس



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

تخصص و رویه احمد اقتداری در انتخاب موضوع خاص، سرزمین خود و اطراف آب‌های خلیج فارس که ماه به حیات قسمت عمده ایران است، ستودنی است. محمدابراهیم باستانی پاریزی

این روزها «احمد اقتداری» اگر بود، یک‌صدسالگی‌اش را جشن می‌گرفتیم. مردی از خطه جنوب فارس و سرزمین لار و گراش، از تبار فرهنگ‌مداران و از خیل دانشی مردانی که در سرتاسر عمر جز به ایران نیندیشیدند. در دانشگاه تهران حقوق خوانده و وکیل بود، ریاست اداره فرهنگ لارستان (۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹) و شهرداری لار (۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۲ تا ۱۰ بهمن ۱۳۳۳) را در کارنامه داشت، اما هرچه رفت و آمد و گفت و خواند و نوشت، همه‌اش برای مام وطن و از آن مهم‌تر، وطن‌انداز شدن نام بلند خلیج فارس بود. به‌همین دلیل هم بود که در پاییز ۱۳۸۷، کتابخانه‌اش را به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی اهدا و دفتر مطالعات خلیج فارس بر آن نام نهاد.

سه‌سال پس از انتشار کتاب «خلیج فارس» در موسسه انتشارات فرانکلین، در ۴۴ سالگی سواحل خلیج فارس و دریای عمان را با روش و منشای پژوهش‌محورانه و تحقیق‌نگرانه، با پای پیاده طی کرد و در کتابی با نام «آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان» در انجمن آثار ملی به طبع رساند. چهارده بعد، «خلیج فارس از دیرباز

هفت صبح

پازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع وقابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

اذان صبح: ۰۳:۱۵ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۶ | اذان مغرب: ۱۹:۲۶



کرده‌اند یکی از کاربران نوشته است: «قطلاً باید این‌را بپذیری، این یک سرقت ادبی آشکار است و تو می‌دانی که او فیلم کوتاه تو را دیده، شما دو نفر در سال ۲۰۲۴ رقابت می‌کردید! این را بی‌جواب نگذار.»

قابل توجه است که مالیا اوپاما و ناتالی جاسمین هریس سال گذشته در جشنواره فیلم ساندنس، جایی که فیلم هر دو در بخش رقابتی حضور داشتند، با هم روبه‌رو شدند. فیلم چهارده دقیقه‌ای خانم هریس با نام «بخشش» در جشنواره به نمایش درآمد، در حالی که خانم اوپاما نیز اولین حضور خود را روی فرش قرمز تجربه کرد و برای جلوگیری از اتهامات خویشاوندسالاری، به جای نام کامل خود، «مالیا» را به کار برده بود. مالیا اوپاما که بزرگ‌ترین دختر باراک و میشل اوپامااست، کارگردان و نویسنده است که در سال ۲۰۲۱ از دانشگاه هاروارد در رشته تاریخ هنر فارغ‌التحصیل شده است اما علاقه اصلی‌اش فیلمسازی است. مالیا اوپاما تاکنون درباره این اتهام پاسخی نداده است.

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۷۰۱۷۰۲
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

یادداشت

سیاست رمانتیک



علی مسعودی نیا

نویسنده

هواداران جنبش رمانتیسم بر این باور بودند که دیگر نمی‌توان حساب چندانی روی خرد و اندیشه آدمی باز کرد. برای این باورشان هم دلایل بسیاری داشتند. این بود که نظم شهرنشینی و دنیای آمیخته با مدرنیته به مذاق ششان خوش نمی‌آمد و راهکار بشسر را بازگشت به طبیعت می‌دانستند؛ بازگشت به زیست‌روستایی و کولی‌وار و گریز از سازه‌ها و انگاره‌ها و قوانین زندگی شهری. سخنان اخیر رئیس‌جمهور در مورد روزگاری که وسایل تهنویه برقی در دسترس نبود و مردم به آسانی سرگرم زندگی‌شان بودند، مرا به یاد رمانتیک‌ها انداخت. البته رمانتیک بودن در ذات خودش ایرادی ندارد و حتی گاهی نوعی آزادمنشی و جسارت مثبت و معنویت به فرد تزریق می‌کند. اما فرد داریم تا فرد. نخست باید به یاد بیاوریم که ایشان خودش به هر حال از رسته تکنوکرات‌های کشور است و در مقام حضور دارد که باورهای رمانتیک برایش مضر است، چرا که در ذات اندیشه رمانتیک، گریز از واقعیت موجود و ایده‌آلیسمی انتزاعی وجود دارد. همین است که تشویق ایشان به بازگشت به دوران پیشاصنعتی با مقام و خاستگاهش نمی‌خواند و بخش کثیری از آحاد ملت را خشمگین می‌سازد. این رگه رمانتیک شخصیت آقای پزشکیمان در شعارهای گاه و بیگاهش نیز هویداست؛ وقتی به جای راهکارهای واقع‌بینانه می‌گوید با وحدت و وفاق و همدلی و صرفه‌جویی و توکل و امید و سایر ابزار انتزاعی، می‌توانیم بر تمامی مشکلات غلبه کنیم و کشور را سعادتمند داشته باشیم یا با دو درجه کم و زیاد کردن وسایل گرمایشی بر بحران انرژی غلبه می‌کنیم. این یک رویکرد کاملاً رمانتیک است. امید و وفاق و امتنا!هم البته در صورت وجود و وقوع، بسیار مفید و مثبت هستند، اما به خودی خود و بدون سخت‌افزارها و سیاست‌های واقع‌گرایانه کاری از‌شان بر نمی‌آید. این باور و گاه تظاهرات رمانتیک پیش از ایشان هم البته در میان سیاست‌مداران تراز اول ما بسیار رواج داشته و دارد. یک ایراد دیگر این طرز فکر یا طرز بیان هم در تناقض‌های آن است. اگر چنین بهشت رمانتیک خیال‌انگیزی در گذشته بوده که ما از تمام قیود و بحران‌های مدرن می‌رهانید، پس دیگر سودای تجارت جهانی و دانش‌بنیانی و پیشرفت تکنولوژیک و توسعه به چه کارمان می‌آید؟ خودمان را از شر تمام این‌ها هم خلاص کنیم و دیگر نه گرفتار تحریم شرق و غرب باشیم و نه ناترازی را برپامن معضل باشد و نه تمته سرمایه مملکت را هزینه کنیم برای این سازه‌ها و ابزارهای دست و پاگیر. بر گردیم به یک زندگی رویایی و پاستورال و آرمان‌شهر رمانتیک خودمان را در منطقه بر پا داریم. فقط باید ایشان و هم‌فکران‌شان به این نکته هم توجه کنند که «گر حکم شود که مست گیرند/ در شهر هر آن که هست گیرند»، بسیاری از این معضل‌ها محصول ساختار سیاسی نوین و دولت-ملت‌شدن و تبعات آن است. لذا در چنین مقب‌گرد رمانتیکی، یک‌جای مهم کار باید گریبان سیستم سیاسی را گرفت و آن را وادارانی کرد. چون آرمان‌شهرهای رمانتیک سیاست‌آنازشیک می‌طلبد و دیگر دولت و رئیس‌جمهور و مجلس و سایر افزوده‌های مجاز و غیرمجازش را بر نمی‌تابند، نکته‌ثم‌انگیزش این جاست که شک نداریم شخص اول دولت چنین فرموده‌هایی را نه از سر باور قلبی، که از سر استیصال و قفر راهکار واقع‌بینانه بر زبان می‌آورد. ما هم که ملت باشیم، آن قدر از مرحله پرت نیسیسم که باورمان شود. چنین است که ممکن است خدای ناکرده تعبیرش کنیم به تعارض و تناقض و تظاهر و بسیار چیزهای ناخوشایند دیگر در همین باب تفاعل و سایر ابواب.

از گوشه و کنار دنیا

نقش دنیل کریگ در یک درام زندان

کارگردان خلاق و جسور «وپلش» و «لالا لند» قصد دارد با پروژه‌ای تازه و متفاوت به سینما بازگردد؛ فیلمی در فضای پرتشن زندان که ممکن است با حضور ستاره جیمز باند، دنیل کریگ، رنگ واقعیت بگیرد. به گزارش ورلد او ریل، «دیمین شزل» که پیش‌تر بر نامه ساخت فیلم «پول کنیول به تور می‌رود» با بازی لئوناردو دی‌کاپریو را داشت، فعلاً پروژه‌اش با دی‌کاپریو را متوقف کرده، چرا که هنوز مشخص نیست دی‌کاپریو چه زمانی برای این فیلم آماده خواهد بود.

در همین حین، شزل روی ایده‌ای دیگر کار می‌کند؛ فیلمی در فضای زندان با حال‌وهوای درام و اکشن که گفته می‌شود نقش اصلی آن به دنیل کریگ پیشنهاد شده است. کریگ طی سه سال اخیر با نقش آفرینی در فیلم «پیاز شیشه‌ای: یک چاقوکنش اسرار آمیز» بازگشت به صحنه بردوی با نمایش «مکتب» و حضور در فیلم دراماتیک «کوتیر» از لوکا گوادانینو، نشان داده که علاقه‌مند به چالش‌های تازه است. او قرار است سال آینده نیز بار دیگر در نقش کارآگاه بلان در فیلم «مرد مرده را بیدار کن» ظاهر شود. فیلم زندانی شزل که هنوز عنوانی ندارد، ابتدا قرار بود در آوریل ۲۰۲۴ وارد مرحله ساخت شود و به‌عنوان یک درام اکشن با بودجه‌ای متوسط شناخته می‌شد، اما تولید آن اطلاع ثانوی به تأخیر افتاده است. شزل اخیراً در مصاحبه‌ای گفته بود که بین دو پروژه مردد است و هنوز تصمیم نهایی را نگرفته. آخرین فیلمش، «بابل»، با وجود نقدهای متفاوت و شکست تجاری در آمریکا، در فرانسه با استقبال منتقدان روبه‌رو شد. با این حال، شزل دست از تلاش نکشیده. او اوایل امسال اعلام کرد که نگارش فیلم‌نامه جدیدی را تقریباً به پایان رسانده و به‌زودی آن را به استودیوها ارائه خواهد داد، گرچه هنوز مطمئن نیست صنعت سینما چگونه به بازگشت او پس از «بابل» واکنش نشان خواهد داد. کارگردانی که با «وپلش» نفس‌ها را در سینه حبس کرد و با «لالا لند» جهان را عاشقانه به وجد آورد، حالا شاید با یک درام زندانی دیگر بار دیگر بدرخشد– این بار با دنیل کریگ در مرکز ماجرا.



ملت ایران واداشت، چنان‌که ۲۹ خرداد ۱۳۸۷ در نشست «خلیج فارس؛ گذشته، اکنون و آینده» بیان کرد: «من از شصت‌سال پیش، این بی‌انصافی و طمع‌ورزی و کوردلی و گره دشمنی کور هزار لای عرب‌ها با ایرانیان را کمابیش می‌دانستم و از آن روزگار که نوجوانی پرشور و شوق و امید بودم، سهیل انگاری مسئولین فرهنگی و سیاسی مملکت را با نامه، ملاقات و گفت‌وگو به این‌ خطر قریب‌الوقوع آگاه می‌کردم.»

جای او در این روزگار انتساب‌های مجعول به نام شکوهمند «خلیج فارس» خالی‌ست تا داد سخن دهد و از حقانیت آن به دفاع برخیزد.

تاکنون؛ در پای پرماجرای ایرانی: یک‌صدسال کشمکش پس از پنج‌هزار سال جنگ و ستیز در گاهواره تمدن» را در موسسه انتشارات امیر کبیر و دست آخر، «گناه ناخوشودنی؛ جدایی‌بحرین از ایران، رفراندوم دروغین» را در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی سامان داد که یک‌سال پس از در گذشت‌اش (۱۳۹۹) نشر یافت.

خلیج‌فارس پژوهی‌های او محدود و محصور به این نماند و چهار اثر از محمدعلی‌خان مینیایی بندرعباسی ملقب و معروف به سدیدالسلطنه کبابی‌را تصحیح کرد: «سفرنامه»، «بندرعباس و خلیج فارس»، «تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آن‌ها با ایران»، «سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش» و «صدید مروارید» و همچنین «آیین‌های دریانوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس» اثر احمد بن ماجد، دریانورد و نقشه‌نگار اهل بندر کنگ.

بر این همه فراوان فراوان ترجمه و یادداشت و مقاله و نامه و سخنرانی در راه ادای دین به این پهنه آبی‌را باید علاوه کرد که تنها ذکر فهرست عناوین آثار او در این باب از این مقال و مجال برون خواهد بود؛ از جمله سخنرانی «زبان‌های محلی و فولکلور خلیج فارس» در نخستین سسمینار خلیج فارس به تاریخ مهر ۱۳۴۱ در باشگاه افسران و در حضور کسانی چون سعید نفیسی، سیدمحمدتقی مصطفوی، مسعود کیهان، سلطانعلی سلطان‌الشیخ‌الاسلامی، سیدمحمد محیط طباطبایی که انتقاد تندش بر رومن گیرشمن، باستان‌شناس و ایران‌پژوه فرانسوی در «خلیج» نامیدن خلیج فارس، او را به عذرخواهی از دولت و

^[1] یک سامانه یا پایدار آب و هوای بهاری، باعث وقوع گردباد در غرب میانه ایالات متحده و دره رودخانه اوهاйо شد که منجر به کشته شدن حداقل ۲۵ نفر در کنتاکی و میسوری و خسارات گسترده به خانه‌ها و اموال شد. /رویترز